



طراحی و اعتبارسنجی الگوی مطلوب برنامه درسی آموزش موسیقی^۱

Designing and Validating the Optimal Model of Music Education Curriculum

تاریخ دریافت مقاله: ۱۶/۰۹/۱۳۹۸؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۲۰/۰۳/۱۳۹۹

H. Seyrafi

J. Ghahremani (Ph.D)

D. Tahmasebzadeh sheykhlar (Ph.D)

حبیب‌الله صیرفی^۲

جعفر قهرمانی^۳

داود طهماسب‌زاده شیخ‌لار^۴

Abstract: The aim of this study was to design and validate an optimal model for music education curriculum in secondary school and music conservatories. The research method was consecutive exploratory mixed (qualitative and quantitative). Participants in the study included education and music specialists in the country and music teachers in music conservatories. The samples were selected purposefully and the data collection tools included interviews in the qualitative section and questionnaires in the quantitative section. The validity of the instrument was internal validity in the qualitative part and content validity in the quantitative part. In order to increase the reliability of the quality section, interviews were conducted with a previous schedule. In the quantitative part, an agreement coefficient of 0.86 was obtained. To analyze the data, qualitative content analysis with inductive approach and Delphi method was used. The results of the qualitative part showed the characteristics of the desired model of music education curriculum in the ten elements of AKKER and the results of the quantitative part also showed the high validity of the mentioned model.

چکیده: مقاله حاضر با هدف طراحی و اعتبارسنجی الگوی مطلوب برنامه درسی آموزش موسیقی در دوره متوسطه دوم و هنرستان‌های موسیقی انجام گرفت. روش پژوهش از نوع آمیخته (کیفی و کمی) اکتشافی متوالی بود. شرکت‌کنندگان در پژوهش شامل متخصصان تعلیم و تربیت و موسیقی در کشور و معلمان آموزش موسیقی در هنرستان‌های موسیقی بودند. انتخاب نمونه‌ها به صورت هدفمند انجام شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در بخش کیفی، مصاحبه و در بخش کمی پرسشنامه بود. روایی ابزار در بخش کیفی از نوع روایی درونی و در بخش کمی از نوع روایی محتوایی بود. برای افزایش پایایی بخش کیفی، مصاحبه‌ها با یک برنامه قبلی انجام می‌گرفت و در بخش کمی نیز با استفاده از ضریب توافقی معادل ۰/۸۶ به دست آمد. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی و از روش دلفی استفاده شد. نتایج بخش کیفی ویژگی‌های الگوی مطلوب برنامه درسی آموزش موسیقی را در عناصر ده‌گانه آکر و نتایج بخش کمی نیز اعتبار بالای الگوی مذکور را نشان داد.

Keywords: music teaching curriculum model, music training, curriculum, validation, design

کلیدواژه: آموزش موسیقی، الگوی برنامه درسی آموزش موسیقی، برنامه درسی، اعتبار سنجی، طراحی.

^۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری است

^۲ دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران habib.7417@gmail.com

^۳ استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران (نویسنده مسئول)

jafarmn21@marandiau.ac.ir

d.tahmaseb@tabrizu.ac.ir

^۴ دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

مقدمه

مقطع متوسطه به عنوان مهم‌ترین دوره از سلسله ادوار آموزشی در نظام تعلیم و تربیت رایج در ایران است که مستلزم شناختی عمیق از نیازهای آموزشی دانش‌آموزان در این مقطع می‌باشد، بویژه آنکه دانش‌آموزان مقطع متوسطه در شرایط سنی حساسی به سر می‌برند که شکل‌گیری بخش بزرگی از شخصیت ایشان در رابطه مستقیم با آموزش‌هایی است که از محیط دریافت می‌کنند. همچنین گزینش رشته تحصیلی دانشگاهی این دانش‌آموزان در آینده ارتباط تنگاتنگی با مطالب آموزشی موجود در کتب درسی مقطع متوسطه دارد. بنابراین ارتقاء کیفی محتوای کتب درسی نیازمند مطالعات آسیب‌شناختی و سپس به کارگیری نتایج حاصل از آن در بهینه سازی کیفیت آموزشی است و این مهم بر عهده تمامی نهادهای متولی در سطوح بنیادین است. یکی از این آموزش‌ها که نقش بنیادین در فرایند تربیت دانش‌آموزان دارد، آموزش هنر است (رضایی، ۱۳۹۲).

در آغاز دهه ۱۹۰۰ آموزش هنر همچنان با آموزش نقاشی مترادف بود و نقاشی بیشتر به عنوان گونه‌ای از مطالعه طبیعت برجسته بود، پس از آن تأکید پرنرنگی بر عوامل و اصول طراحی شد. در طول دهه ۱۹۲۰، شکل دیگری مورد پذیرش قرار گرفت و آن، ابزار خلاقانه خویش بود، این رویداد جدید برای رهاکردن تخیل‌گرایی دانش‌آموزان بود که آنها را قادر می‌ساخت نظرات و احساسات خود را به جای تقلید از طریق شیوه‌های خلاق بیان کنند. پس از این دوران و با وقوع بحران بزرگ و جنگ جهانی دوم، تأکید یک بار دیگر از بیان شخصی به استفاده از هنر در زندگی روزمره - هنر در زندگی اجتماعی، خانه و محل کار - تغییر یافت. سرانجام، ابتکار عمل‌های برنامه درسی منجر به ظهور آموزش هنر به عنوان یک دیسپلین گردید (افلند، ۲۰۰۴).

کسب تجارت غنی همراه با هنر در سنین پایین باعث می‌شود که کیفیت تجارب انسانی در طول زندگی فرد بالاتر رود (بورتون^۱، هورویتز و آبلز^۲، ۲۰۰۰). نظریه پرداز برجسته و شهیر عرصه آموزش هنر و زیبایی‌شناسی، آیزنر، بر این باور است که هنر، دسترسی به تجاربی که

1. Burton, Horowitz, Abeles

طراحی و اعتبارسنجی الگوی مطلوب برنامه درسی آموزش موسیقی

فراهم کردن آنها از طریق دیگر اشکال بازنمایی^۱ غیرممکن و یا بسیار مشکل می‌باشد را ممکن می‌سازد. هنر نقش مهمی در پالایش سیستم حسی و پرورش توانایی‌های تخیلی ما دارد. در واقع، هنر نوعی اجازه دسترسی را فراهم می‌کند تا بتوانیم تجارب کیفی^۲ را به شیوه‌ای دقیق و منحصر به فرد، دنبال کرده و در اکتشاف سازنده آنچه که فرآیند تخیلی می‌تواند خلق کند درگیر شویم. موسیقی، از جمله این هنرهاست (آیزنر، ۲۰۰۲) و از آنجا که شناخت موسیقی بدون آموزش آن امکان‌پذیر نیست، بنابراین آموزش موسیقی باید بخشی جداناپذیر از برنامه‌های آموزشی کشور باشد (سالم و محمدپور، ۱۳۸۵).

در زمینه کاربرد آموزش موسیقی می‌توان به یکی از اهدافی که از طریق پرداختن به موسیقی در مدارس محقق می‌شود، به استفاده از کارکردهای آن در فرآیند یاددهی-یادگیری اشاره کرد. در این فرآیند، حواس و هوش‌های گوناگون دخالت دارند و هرچه در این امر از هوش‌های متعددی استفاده شود به همان میزان از آموزش تک بعدی، یک سویه، انفعالی و غیرپایدار دور شده و به سوی آموزشی تعاملی، پویا، پایدار و چند بعدی حرکت خواهد شد. به عنوان مثال ریتم در درس ریاضی از ارکان موسیقی است. آشنایی با صداها بخش قابل توجهی از مفاهیم علوم تجربی را تشکیل می‌دهد. فرهنگ، هنر، مدنیت بر روی آیین‌نگارش، ادبیات فارسی، تاریخ و جغرافیا که عالی‌ترین جلوه آن در هنر و موسیقی به عنوان یکی از رشته‌های هنر است تأثیر بسزایی دارد (سالم و محمدپور، ۱۳۸۵).

در ایران نیز، پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی افراد و مراجع مختلف دربارهٔ موسیقی موضع‌گیری‌های مختلف اعمال شد؛ اما در شرایط کنونی، بیش از گذشته به موسیقی توجه می‌شود و زمینه برای فعالیت موسیقی‌دانان کمابیش مهیا شده است. تاکنون در مدارس ایران، آموزش موسیقی به شیوه‌ای طبقه‌بندی شده که بطور مشخص در برنامه آموزش هنر مدارس وجود نداشته است و اگر هم در برخی مدارس به این مهم پرداخته شده جزو دروس فوق برنامه محسوب می‌شود. متأسفانه در مدارس کشورمان چندان توجهی به وضعیت آموزش دروس هنری نمی‌شود و با وجود علاقه دانش‌آموزان به این دروس خصوصاً موسیقی، زنگ و

1. Representational forms

2. Qualitative experience

ساعات این دروس چندان جدی تلقی نمی‌گردد، بیشتر مدارس امکاناتی برای آموزش و حتی شناخت موسیقی ندارند و در کل بر طبق دستورالعمل آموزش و پرورش هیچ برنامه‌ای برای آموزش موسیقی و کلاس در نظر گرفته نشده است. به طور مثال در راهنمای هنر سال پنجم دبستان یادآوری شده که وظیفه اصلی مربی تنها به هنر نقاشی و تمرین در جهت چند مبحث زیربنایی مانند خط، نقطه و سطح محدود شود و هدف و برنامه‌ای برای آموزش و سرود و موسیقی به چشم نمی‌خورد (رضایی، ۱۳۹۲). برای آن اندک توجه صورت گرفته به موسیقی و یا رشته آموزش آن در هنرستان‌های موسیقی، امکانات و شرایط لازم در ابعاد مختلف امکان اجرای آن را فراهم نمی‌سازد. در حال حاضر در مدارس کشورمان، مربی پرورشی به عنوان سامان دهنده فعالیت‌های فوق برنامه معرفی می‌شود. این مربیان معمولاً متخصص نیستند و دست‌اندرکاران مجموعه آموزش و پرورش معتقدند که یکی از دلایل عمده فقر آموزش موسیقی، فقر نیروی متخصص است. در واقع تنها قدمی که فعلاً آموزش و پرورش در این زمینه برداشته است تهیه نوارهای سرود و قرار دادن آن در اختیار مدارس است که بسیار مورد استقبال قرار گرفته است (گل صباحی، ۱۳۷۹).

نگرش شرع اسلام درباره آموزش موسیقی مثبت و ارزنده است اما تفسیرهای مختلف در این زمینه از سوی برخی صاحب‌نظران وجود دارد که موسیقی را در جامعه با چالش مواجه کرده است. احکام شرعی در مورد موسیقی و هر آهنگ دیگر بستگی به نوع تأثیر آن از حیث مثبت یا منفی در مستمعین دارد و مشکل عمده در بیان احکام شرعی آهنگ‌ها در تشخیص آثار آن بر مستمعین است و احکام اسلام^۱ در مورد آهنگ‌ها، منوط به نحوه استفاده مردم از این آهنگ‌ها می‌باشد. پس موسیقی به عنوان یکی از هنرهای مورد علاقه مردم در صورت استفاده درست از نظر اسلام نیز مورد تأیید می‌باشد و می‌توان از تأثیرات سازنده آن که بدان‌ها اشاره گردید بهره گرفت. اما جایگاه موسیقی در نظام آموزشی ایران به مراتب نگران‌کننده‌تر از سایر

۱. خوانندگان محترم دقت فرمایید با توجه به اینکه نظر فقها در مورد احکام شرعی موسیقی تفاوت‌هایی با هم دارند جهت اجتناب از طولانی شدن بحث، به فتاوی‌ای آنان اشاره نگردید و صرفاً اشاره ای کوتاه و کلی در مورد مجاز یا ممنوع بودن آن به میان آمد؛ لذا جهت اطلاع دقیق‌تر در این باره رجوع به سایر منابع مربوط ضروری است.

طراحی و اعتبارسنجی الگوی مطلوب برنامه درسی آموزش موسیقی

کشورهاست. اگرچه موسیقی در برنامه درسی دیگر کشورها حضور پررنگی در عمل ندارد و جایگاه آن در نظام‌های آموزشی آنگونه که آیزنر (۲۰۰۵) اشاره می‌کند، بجای آنکه در محور باشد، در حاشیه است، ارزش و اهمیت موسیقی در قلمرو آموزش و پرورش ایران کاملاً انکار شده است و بدین شکل جزو برنامه درسی پوچ و یا محذوف^۱ قرار گرفته است (مهرمحمدی، ۱۳۹۹). در حالیکه در اغلب کشورها از جمله دانمارک، آموزش موسیقی موضوعی است که در میان معلمان و سیاستمداران در مورد روش‌شناسی و برنامه تحصیلی مربوط به آن بحث اتفاق می‌افتد. بیش از ۵۰ درصد از کودکان پیش‌دستانی دانمارک بین ۱ الی ۵ سال به مرکز مراقبت روزانه می‌آیند و دانمارک رکورد جهانی برای این مقدار زمان را دارد (دوست‌دار، ۱۳۸۷). زمانی که کودکان بتوانند میان موسیقی و احساسات درونی خویش ارتباط برقرار کنند می‌توانند برای احساسات از حرکات بدن مدد گیرند و رشد مناسب، مهارت‌های حرکتی بنیادی^۲ است (شجاعی و دانش‌فر، ۱۳۹۷). پژوهش‌های انجام گرفته نیز اهمیت و ضرورت آموزش موسیقی را در هر مرحله از تعلیم و تربیت نشان داده‌اند. برای مثال صابری (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان تأثیر آموزش موسیقی بر خلاقیت دانش‌آموزان پایه هفتم نشان داد که آموزش موسیقی اثری مثبت بر خلاقیت و بهبود کیفیت هر یک از ابعاد چهارگانه خلاقیت، سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری دارد.

مهربان (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان تأثیر آموزش موسیقی بر بهزیستی روانشناختی دانش‌آموزان پرداخت و به این نتیجه رسید که آموزش موسیقی بر بهزیستی روانشناختی^۳ (روابط مثبت با دیگران، تسلط بر محیط، زندگی هدفمند، خودمختاری، رشد فردی، پذیرش خود) دانش‌آموزان تأثیر داشته است. بنابراین می‌توان با گنجاندن برنامه‌های آموزش موسیقی به عنوان یک برنامه درسی مستقل در جهت افزایش شاخص‌های سلامت روان دانش‌آموزان گام برداشت.

-
1. Null. Curriculum
 2. Fundamental Movement Skill (FMS)
 3. Psychological Wellbeing
- ۱۷۹

هدایتی ورکیانی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی اثربخشی فعالیت‌های تربیت بدنی و موسیقی مبتنی بر دیدگاه مطالعات برنامه درسی راهبردی و برنامه‌ریزی چند بعدی بر کاهش اضطراب کودکان پیش دبستانی پرداختند و نتایج نشان داد که تأکید بر فعالیت‌های بدنی و آموزش موسیقی بر کاهش اضطراب می‌انجامد.

عسگری و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان اثربخشی موسیقی درمانی بر کیفیت زندگی و خودکارآمدی سالمندان به این نتیجه رسیدند که موسیقی از جمله ساده‌ترین و مفیدترین شیوه‌ها برای شاد ساختن افراد و کاهش تنش‌های روانی زندگی روزمره و تنظیم خواب می‌باشد.

قاسم تبار (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان تأثیر آموزش موسیقی بر مهارت‌های پایه ریاضی به تأثیر روش آموزش عرف پرداخت و به این نتیجه رسید که آموزش موسیقی بر مهارت‌های طبقه‌بندی کردن، نگهداری ذهنی عددی، هندسه و تشخیص شباهت و تفاوت کودکان تأثیر دارد.

رضایی (۱۳۸۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر آموزش موسیقی بر توانایی استدلال فضایی و پیشرفت ریاضی دانش‌آموزان پایه پنجم پرداخت که نتایج نشان داد با کنترل نمره هوش کل و هوش عملی، استدلال فضایی دانش‌آموزان موسیقی آموخته بیش از دانش‌آموزان موسیقی نیاموخته بود.

استکی و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهشی به بررسی مقایسه اثربخشی دو روش آموزش دو نیمکره مغز و آموزش موسیقی بر بهبود عملکرد حساب نارسایی دانش‌آموزان دختر پرداخت که نتایج نشان داد بین کاهش علائم حساب نارسایی گروه‌های آزمایشی در مقایسه با گروه کنترل تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ همچنین آموزش موسیقی و آموزش دو نیم‌کره سبب تغییرات فعالیت‌های بیوالکتریک و فعال شدن مناطق پیشانی، آهیانه شد. نتایج نشان داد با استفاده از دو آموزش مذکور علائم مربوط به حساب نارسایی را می‌توان کاهش داد.

فخاری‌زاده (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان تأثیر آموزش موسیقی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی شهرستان نجف‌آباد به این نتیجه رسید که دانش‌آموزان

طراحی و اعتبارسنجی الگوی مطلوب برنامه درسی آموزش موسیقی

موسیقی آموخته در درس علوم و ریاضی پیشرفت معنی‌داری نسبت به دانش‌آموزان موسیقی نیاموخته دارند.

پورتویتز، پیپلر و دانتون^۱ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای به «طراحی و ارزشیابی الگوی آموزش موسیقی در هارمونی» با در نظر گرفتن نیازهای یادگیرندگان قرن ۲۱ در استفاده از تکنولوژی در یادگیری و نیز مهارت‌هایی که پیش نیاز پیشرفت علمی دانش‌آموزان می‌باشند از جمله حافظه فعال، خودتنظیمی^۲ و انعطاف‌پذیری شناختی^۳ پرداختند. این پژوهشگران بر اساس پژوهش قبلی پیرامون موسیقی و فناوری‌ها (بامگارنر^۴، ۲۰۰۴) و تأثیر بالقوه موسیقی بر بهبود مهارت‌های یادگیری و پیشرفت علمی (هالام^۵، ۲۰۱۰، پورتویتز و همکاران، ۲۰۱۴، پورتویتز، لیختن اشتاین^۶، ایگرو^۷ و برند^۸، ۲۰۰۹) الگوی آموزش موسیقی در هارمونی^۹ را طراحی نمودند.

کالول، ادوارد، هرناندز و بیریز^{۱۱} (۲۰۱۳) با مطالعه «تأثیر مداخلات موسیقی درمانی (گوش دادن، ترکیب، ارف، آموزش موسیقی) بر شرایط فیزیولوژیکی و رفتارهای روانی کودکان و دانش‌آموزان بستری» به این نتیجه رسیدند که هر چند موسیقی درمانی بر بهبود شرایط فیزیولوژیکی (تعداد ضربان قلب، فشارخون، یا اشباع اکسیژن) مؤثر نبود اما موسیقی و آموزش آن می‌تواند در تغییر رفتارهای نابهنجار مؤثر واقع شود.

وانگ، وانگ و ژانگ^{۱۱} (۲۰۱۱) طی پژوهشی به بررسی «تأثیر گروه درمانی موسیقی بر روی خلق و خوی افسرده دانش‌آموزان» پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که موسیقی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Portowitz, Pepler, Downton
2. Self-regulation
3. Cognitive flexibility
4. Bumgarner
5. Hallam
6. Lichtenstein
7. Egorov
8. Brand
9. Harmony
10. Colwell, Edwards, Hernandez, Brees
11. Wang, Wang & Zhang

درمانی گروهی می‌تواند به طور مؤثری منجر به کاهش علائم افسردگی و بهبود سلامت روان دانش‌آموزان گردد.

آلبورنوز^۱ (۲۰۱۱) با مطالعه «اثر بخشی موسیقی درمانی گروهی و آموزش موسیقی بر افسردگی نوجوانان و دانش‌آموزان مبتلا به سوء مصرف مواد» به این نتیجه رسید که موسیقی درمانی گروهی و آموزش موسیقی می‌تواند مشکلات رفتاری و اختلالات هیجانی همراه با سوء مصرف مواد از جمله افسردگی و پرخاشگری را کاهش می‌دهد.

پژوهش‌ها حاکی از آن است که فرایند تعلیم و تربیت فعال، نیازمند شور و طرب، نیاز به جوشش، تلاش و پشتکار و نشاط در همه ابعاد است. هرگونه ارتباط و تعلیمی، بدون روح تحرک، پویایی و شادی و نشاط، منجر به شکست است. آموزش موسیقی و توجه به موسیقی یک بستر و محمل مناسبی است که اولاً این هیجانات مثبت از قبیل شادی و نشاط اجتماعی برای تمامی دانش‌آموزان فراهم شود. ثانیاً می‌تواند به عنوان یک رشته تحصیلی در دوره متوسطه و دانشگاه و به تبع آن یک حرفه و شغل در آینده تلقی شود که علاقمندان و افراد مستعد را جذب نماید. از این رو لازم است که بحث آموزش موسیقی مطابق با چارچوب‌های فرهنگی جامعه مورد توجه نظام آموزشی کشور قرار گیرد.

در برنامه درسی دوره ابتدایی اصلاً توجهی به آموزش موسیقی نشده و به مباحثی همچون کاردستی، خط، نقاشی، قصه و قصه‌گویی، تربیت شنوایی، عکاسی، طراحی و نمایش اهمیت بیشتری داده شده است. حتی اگر اندک توجهی هم به تربیت شنوایی در برنامه درسی کشور گردیده، بخاطر عدم آشنایی معلمان با این موضوع در اجرای آن مشکلات جدی وجود دارد. آموزش موسیقی که قرن‌ها در کشور ایران سابقه بسیار طولانی دارد چون توجه زیادی صورت نگرفته به ناچار موسیقی اصیل، سنتی، محلی و فولکلوریک کم‌کم رو به فراموشی رفته و اطلاعات موسیقایی و فرهنگ آشنایی با سازها و یا علم موسیقی در خانواده‌ها بسیار کم شده است؛ لذا آموزش موسیقی با مشکلات عدیده‌ای روبرو است که بایستی در این میان خاستگاه آموزش موسیقی که همانا آموزش و پرورش می‌باشد، در قالب کتب درسی

طراحی و اعتبارسنجی الگوی مطلوب برنامه درسی آموزش موسیقی

مشکل گشا باشد که این امر مهم انجام نگرفته و در بعضی موارد شاهد هستیم که امر آموزش موسیقی مذموم شمرده شده است.

بررسی مطالعات انجام شده در خصوص برنامه درسی آموزش موسیقی بیانگر این است که در دهه های اخیر میزان توجه به درس آموزش موسیقی در اکثر کشورها افزایش یافته (آیزنر، ۲۰۰۵). این موضوع باعث شده که از الگوهای جدید در زمینه برنامه درسی استفاده گردد. مرور پژوهش های انجام شده در داخل کشور در زمینه آموزش موسیقی و تجربیات عینی و عملی پژوهشگر نشان می دهد که وضعیت برنامه درسی آموزش موسیقی در نظام آموزشی مطلوب نیست و نظام آموزشی، آموزش این موضوع را در تمام مقاطع تحصیلی و برای تمامی دانش آموزان مطلوب و مناسب تشخیص نداده است و آموزش در این زمینه اغلب برون سپاری شده که افراد براساس علاقه و نیاز خود به مؤسسات و آموزشگاه هایی که در این زمینه هستند مراجعه می کنند و این امر زمینه را برای تاخت و تازهای ناشیانه و بدون چارچوب فراهم کرده است و برای هنرستان هایی که رشته آموزش موسیقی دارند نیز الگوی برنامه درسی مطلوب و مناسبی ندارد و فعالیت های پژوهشی و عملیاتی گسترده ای هم در این زمینه نشده است و لازم است با توجه به اهمیت آن مورد توجه جدی قرار گیرد. از این رو پژوهش حاضر به دنبال بررسی و طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی آموزش موسیقی براساس عناصر دهگانه اگر در دوره متوسطه و هنرستان های موسیقی و اعتبارسنجی آن است. لذا سوال های پژوهش به شرح زیر می باشد: ۱- الگوی مطلوب برنامه درسی آموزش موسیقی در دوره متوسطه و هنرستان های موسیقی کدام است؟ ۲- این الگو از چه میزان اعتباری برخوردار است؟

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع روش ترکیبی (آمیخته) می باشد که طبق تعریف عبارتست از «انجام دادن پژوهش کیفی و کمی به طور توأمان در مورد یک موضوع یا پدیده» که آن را روش ترکیب شده یا در هم تنیده^۱ هم می گویند (بورگ و گال، ۲، ۱۳۹۹). روش های پژوهش ترکیبی در صدد

1. Mixed or Integrated Methodology

2. Borg & Gall

ادغام و ترکیب داده‌های کمی و کیفی در جهت فهم بهتر از مساله پژوهش می‌باشند که به روش‌های مختلفی این امر صورت می‌گیرد. در این پژوهش چگونگی ترکیب داده‌های کمی و کیفی براساس روندهای ترتیبی^۱ است که در آن پژوهشگر به دنبال آن است که یافته‌های حاصل از یک روش را با روش دیگری توسعه دهد؛ مثلاً پژوهشی که با روش کیفی و با هدف اکتشاف شروع و سپس با روش کمی و یک نمونه وسیع جهت تعمیم یافته‌ها به جامعه آماری ادامه می‌یابد (ایمان، ۱۳۹۰). از ویژگی‌های دیگر روش‌های ترکیبی به کارگیری رویکرد اکتشافی است که زمانی به کار می‌رود که پدیده مورد نظر قبلاً مورد مطالعه قرار نگرفته است و یا اینکه پدیده مورد نظر از زاویه جدیدی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد (مک میلان، شامچر^۲، ۲۰۰۱). راهبرد اجرایی این پژوهش با توجه به رویکرد ترکیبی آن از نوع راهبرد اکتشافی متوالی^۳ بود که در بخش کیفی، پژوهشگران با استفاده از روش تحلیل که بطور استقرایی انجام می‌شود به مطالعه مساله مورد نظر (الگوی آموزش موسیقی) و در بخش کمی به روش توصیفی پیمایشی به اعتباریابی یافته‌های حاصل از مرحله کیفی در بین متخصصان تعلیم و تربیت و آموزش موسیقی پرداختند.

این پژوهش طی دو مرحله انجام شده است. در مرحله اول، داده‌های کیفی با استفاده از مصاحبه انفرادی با متخصصان تعلیم و تربیت، متخصصان و اساتید پیشکسوت موسیقی در کشور و معلمان آموزش موسیقی در هنرستان‌های موسیقی گردآوری شدند. در مرحله دوم داده‌های کمی بر اساس پرسشنامه حاصل از یافته‌های کیفی تنظیم و برای گردآوری داده‌های کمی جهت اعتبارسنجی از متخصصان تعلیم و تربیت، متخصصان و اساتید پیشکسوت موسیقی در کشور و معلمان آموزش موسیقی به اجرا درآمد. این مطالعه در جامعه آماری پژوهش و به عبارتی شرکت کنندگان در پژوهش حاضر هم در بخش کیفی و کمی شامل متخصصان تعلیم و تربیت، متخصصان و اساتید پیشکسوت موسیقی در کشور و معلمان آموزش موسیقی در هنرستان‌های موسیقی بودند که به صورت هدفمند و با

-
1. Sequential Procedure
 2. McMillan, Schumacher
 3. Sequential Explanatory Strategy

طراحی و اعتبارسنجی الگوی مطلوب برنامه درسی آموزش موسیقی

معیارهایی از قبیل آشنایی و علاقمندی به موضوع پژوهش، داشتن آثار ارزشمند در زمینه موسیقی، سابقه تدریس در زمینه موسیقی و غیره انتخاب شدند. انتخاب نمونه‌ها به دلیل کم بودن تعداد نمونه‌ها بویژه در زمینه متخصصان و اساتید پیشکسوت موسیقی در کشور و معلمان آموزش موسیقی و به منظور بررسی دقیق‌تر آنان و همچنین کثرت اطلاعات نمونه‌ها به صورت هدفمند و با شناسایی قبلی نمونه‌ها انجام گرفت. در نمونه‌گیری هدفمند که از رویدادها نمونه‌گیری می‌شود و نه الزاما از افراد، اگر به سراغ افراد می‌رویم با هدف کاوش رویدادهاست و هدف پژوهشگر انتخاب مواردی بود که با توجه به هدف پژوهش سرشار از اطلاعات و تجربه باشد و پژوهشگر را در شکل دادن مدل نظری خود یاری کند و این کار تا جایی ادامه می‌یابد که طبقه‌بندی مربوط به داده‌ها و اطلاعات اشباع شود و نظریه مورد نظر با دقت تشریح شود (کراسول^۱، ۲۰۰۷). بر این اساس مشارکت کنندگان در این مصاحبه به روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف وارد مطالعه شدند. اطلاعات حاصل از مصاحبه از نفر شانزدهم به بعد تکراری بود و داده‌ها در این مرحله به حد اشباع رسیده بودند ولی فرایند مصاحبه بدلیل حصول اطمینان لازم، تا نفر آخر مصاحبه شونده ادامه یافت. مصاحبه با مشارکت کنندگان در قالب مصاحبه نیمه سازمان یافته و به صورت انفرادی و توسط پژوهشگران اجرا شد تا دیدگاه و عملکرد آنان درخصوص موضوع پژوهش مورد بررسی و کاوش بیشتری قرار گیرد. این شیوه گردآوری داده‌ها، فرصت بررسی و کشف تجربه مشارک کنندگان را در حوزه موضوع مورد بررسی میسر ساخت. سپس محتوای داده‌های حاصل از مصاحبه بر اساس سوال اصلی پژوهش با تمرکز بر عناصر برنامه درسی دهگانه اگر به منظور طراحی الگو مورد تحلیل قرار گرفت. در بخش کمی جهت اعتبارسنجی این الگو، چک لیست تنظیمی براساس عناصر ده گانه اگر در مقیاس ۵ امتیازی لیکرت بین ۱۵ نفر از متخصصان برنامه درسی و روانشناسان تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت و متخصصان اساتید موسیقی توزیع شد که در نهایت محاسبه میزان اعتبار الگوی پیشنهادی به روش دلفی یا نظرسنجی اعتبارسنجی گردید.

در رابطه با اولویت‌بندی عناصر برنامه درسی از روش کمی (دلفی) استفاده می‌شود تا با استفاده از نظرات خبرگان؛ این عناصر به ترتیب اهمیت «اولویت‌بندی» شوند. روش دلفی، دارای مشخصاتی همچون: تعاملات در گروه، ناشناس ماندن اعضای گروه متخصصان، عدم نیاز به دست‌یابی به اجماع، نوع سؤال (باز/ بسته) و روش تجزیه و تحلیل (کیفی/کمی) است (احمدی و همکاران، ۱۳۸۷). در این مرحله، پرسشنامه‌ای بی‌نام برای متخصصان تعلیم و تربیت، متخصصان و اساتید پیشکسوت موسیقی و معلمان مدارس هنرستان‌های موسیقی ارسال شد که در نهایت، تعداد ۱۵ پرسشنامه اتخاذ گردید که هریک به تفکیک مورد بررسی قرار گرفتند.

در این روش، از افراد خواسته شده بود تا بر اساس اهمیت به هریک از عناصر و ویژگی‌های آن امتیاز بدهند و همچنین اگر عوامل جدیدی که مدنظرشان است را مرقوم نمایند. پس از جمع‌آوری و رتبه‌بندی عناصر در روش دلفی، به منظور یافتن میزان موافقت متخصصان با هر عنصر، ابتدا از ساده‌ترین روش یعنی حاصل جمع نمرات و میانگین و میزان اهمیت آنها استفاده شد.

سوالات مصاحبه شامل ۱۰ سوال اصلی در زمینه ویژگی‌های عناصر برنامه درسی ده‌گانه‌اگر و در فاصله زمانی بین ۵۰ تا ۹۰ دقیقه بود. با اجازه مشارکت کنندگان و با اطمینان از محرمانه بودن و همچنین جهت بالا بردن اعتبار داده‌های مصاحبه، مصاحبه با بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال ضبط شد. در طول مصاحبه از کدهای مشخصی به جای اسامی شرکت کنندگان استفاده شد تا رازداری در پژوهش رعایت گردد. روایی پژوهش حاضر در بخش کیفی از نوع روایی درونی است که به میزان اعتمادپذیری، قابلیت اطمینان و اعتقاد و موجه بودن یافته‌ها و نتایج پژوهش اشاره دارد. به اعتقاد کراسول (۲۰۰۷) «روایی درونی به دقت داده‌ها و اینکه معرف حقیقت است یا نه اشاره دارد و شاخصی است که نشان می‌دهد یک مطالعه تا چه حد واقعی است، و آیا هدف پژوهش و واقعیت اجتماعی آزمودنی‌ها را با دقت منعکس می‌سازد». بدین منظور آنالیز داده‌ها توسط پژوهشگر و کنترل استاد راهنما و مشاور انجام شد و سپس داده‌ها و تفسیر از آن‌ها در اختیار خود شرکت کنندگان در پژوهش قرار

طراحی و اعتبارسنجی الگوی مطلوب برنامه درسی آموزش موسیقی

گرفت تا آنان صحت داده‌ها و تفسیر از آن‌ها را تأیید نکنند. برای افزایش پایایی پژوهش، مصاحبه‌ها با یک برنامه قبلی در یک فضای مناسب و رعایت شرایط مصاحبه با راهنمایی‌های لازم و به دور از سوگیری و اعمال نظر شخصی و با استفاده از دستگاه ضبط صوت و قبل از شیوع ویروس کرونا انجام گرفت. همزمان با گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل آنها با دو هدف اخذ بازخورد برای مصاحبه‌های بعدی و اطمینان از اشباع داده‌ها آغاز شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس روش مرسوم کدگذاری باز و محوری انجام یافت.

روش اجرا

همانطور که اشاره شد سوالات مصاحبه بصورت نیمه سازمان یافته بود ولی از آنجا که مصاحبه‌های کیفی از انعطاف پذیری برخوردارند؛ لذا در این پژوهش امکان تغییر، افزایش، ترکیب و تجمیع و یا حذف سوالات براساس داده‌های به دست آمده از شرکت کنندگان وجود داشت. بطوریکه اگر در جایی صحبت‌های مصاحبه شوندگان ابهام داشت از وی خواسته می‌شد بیشتر توضیح دهد یا مثال و مصداق عینی ذکر کند. سوالات اصلی مصاحبه در ده عنصر برنامه درسی بود و به شرکت کنندگان گفته می‌شد که می‌توانند هر چیزی را که در ارتباط با این عناصر به ذهنشان می‌رسد، بازگو کنند زیرا هدف، رسیدن به عمق تجربه آنان بود. در پایان هر جلسه مصاحبه، از مصاحبه شونده سوال می‌شد «آیا مطلب دیگری هم هست که باید بیان می‌کردید؟» حال اگر ناگفته ای بود بیان می‌کردند.

مرحله دوم مصاحبه با هدف تکمیل کردن اطلاعات جمع‌آوری شده از هریک از شرکت کنندگان و روشن ساختن نکات مبهم گفته‌های قبلی و همچنین تأیید صحت گفته‌هایشان ترتیب داده شده بود. در این مرحله شکل مکتوب و پیاده شده صحبت‌های آنان به خودشان داده می‌شد تا چنانچه نواقص و بدفهمی هست اصلاح کنند.

یافته‌های پژوهش

۱- الگوی مطلوب برنامه درسی آموزش موسیقی در دوره متوسطه و هنرستان‌های موسیقی کدام است؟

جدول ۱: نتایج تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه با متخصصان تعلیم و تربیت، متخصصان و

پیشکسوتان موسیقی و معلمان هنر هنرستان‌ها

عناصر برنامه درسی	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی (مقوله های اصلی)
منطق	<ul style="list-style-type: none"> - موسیقی انسان را رثوف و مهربان بار می‌آورد (عاطفی بار می‌آورد). - اساتید پیشکسوت به مقاطع ابتدایی در اروپا تدریس می‌کنند. - موسیقی در کشورهای اروپایی اجباری است. - موسیقی انسان را به نظم و انضباط سوق می‌دهد. - موسیقی خشونت را از بین می‌برد. - موسیقی فرد را وقت شناس بار می‌آورد - موسیقی حواس شنیداری و تمرکز حواس را بالا می‌برد. - موسیقی سرعت پردازش اطلاعات در مغز را بالا می‌برد. - موسیقی بخش حافظه مغز را افزایش می‌دهد. - موسیقی باعث علاقه‌مند کردن فرد به تجربه زیباشناسی و زیباشناختی می‌شود. - سودمندگرایی و بعدزیبایی شناسی دانش‌آموزان را میسر می‌سازد. - موسیقی باعث بالا رفتن تعامل فرد در کار گروهی و اجتماعی می‌شود. - موسیقی روی بیان و اجتماعی بارآمدن فرد نقش بسزایی دارد. - موسیقی اعتماد به نفس را در فرد بوجود می‌آورد. - موسیقی در مدارس کنترل هیجانات دانش‌آموزان را باعث می‌شود - موسیقی رشد توانایی دانش‌آموزان را بیشتر می‌کند. - موسیقی هوشمندی دانش‌آموزان را در خلق و قدرشناسی موسیقی افزایش می‌دهد. - با آموزش موسیقی تفکر احساس شده را تجربه می‌کنند. - موسیقی روی ارزش شناختی عواطف تأثیر عمیق 	<ul style="list-style-type: none"> - عاطفه، رأفت و مهربانی - نظم و انضباط و دقت - اجبار موسیقی در اروپا - دشمنی با خشونت - بالا بردن سرعت پردازش اطلاعات - بالا بردن تمرکز و تقویت حواس - بالا بردن قابلیت مغز - سودمندگرایی و زیباشناسی - بالا بردن توسعه و توانمندی فردی - بالا بردن اعتماد به نفس - تأثیر روی رفتار فیزیولوژیک - تأثیر در کارهای گروهی و اجتماعی - تمایز شخصیت فرد با دیگران - کنترل هیجانات - هوشمندی فرد - منطق و هوش 	<ul style="list-style-type: none"> - پالایش روح و احیا عاطفه - بیدارسازی معنویت - احیا فرهنگ و ارزش ها

کدگذاری انتخابی (مقوله های اصلی)	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	عناصر برنامه درسی
	<ul style="list-style-type: none"> - تجربه کردن تفکر احساس شده - فرآیند رمزگشایی - محدودیت‌های فرهنگی - حس تعاون و همکاری - آموزش مسئولیت‌پذیری - آموزش از خود گذشتگی - تعدیل قضاوت - غنا بخشیدن به زندگی - پالایش و تطهیر، تربیت و لذت عقلی و ذهنی - زندگی دموکراتیک - مهارت زندگی اجتماعی - حس میهن پرستی - صلح جهانی و درک نژادی - بالا بردن شعور فرهنگی و اجتماعی - ثبت و انتقال ارزش‌ها و فرهنگ بومی - تأثیرگذاری روی روح و روان 	<p>داشته به جای قاعده، قضاوت را حاکم می‌کند.</p> <ul style="list-style-type: none"> - یادگیری موسیقی نه تنها یک فرآیند رمزگشایی است بلکه یک رمزگذاری فعال نیز می‌باشد. (خواندن نت) - مراقبت از سازهایشان شکلی از مسئولیت‌پذیری را به آنها می‌آموزد - وقتی در کارگروهی و گروه نوازی صدای خود و زیرایی آن را تعدیل می‌کند مثبت خود را به نفع اجرا قربانی می‌کند. (از خودگذشتگی را آموزش می‌دهد) - موسیقی قضاوت کیفی ما را اصلاح و تعدیل می‌کند. (آهنگ‌سازی و قضاوت) - موسیقی درک و فهم تاریخی را در دانش‌آموزان و کودکان پرورش می‌دهد. (سبک‌های موسیقی را می‌شناساند) - موسیقی زندگی انسان را غنا می‌بخشد (غنی نمودن زندگی انسان) - ارسطو معتقد است آموزش موسیقی ۳ منطبق اساسی دارد (۱) تربیت (۲) پالایش و تطهیر (۳) لذت ذهنی و عقلی - زندگی دموکراتیک را تشویق می‌کند. - مهارت‌های زندگی اجتماعی را می‌سازد. - به پرورش حس میهن پرستی کمک و تأثیر گذار است. - مطالعه و آموزش موسیقی به مطالعه دیگر فرهنگ‌ها، صلح جهانی، درک نژادی، تاب آوری (Tolerance) کمک می‌کند - موسیقی شعور فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان و فرد را بالا می‌برد. - موسیقی در انتقال فرهنگ بومی و فرهنگ خود کشور به نسل‌های آینده و نسل‌های دیگر نقش بسزایی دارد. - موسیقی می‌تواند ارزش‌های جامعه را ثبت و نشان دهد. - هنر و موسیقی روی آرامش روح و روان انسان نقش 	

کدگذاری انتخابی (مقوله های اصلی)	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	عناصر برنامه درسی
	<ul style="list-style-type: none"> - تأثیرگذار روی سیستم ادراکی - تأثیر زیاد فرکانس موسیقی روی بدن - افزایش خلاقیت فردی - بالا بردن آستانه تحمل فرد - تأثیر روی نبوغ فرد و کشف استعدادها - تأثیر در حس مادری - جلوگیری از ابتلا به بیماری - تأثیر روی بیش فعالی - تأثیر روی کاهش خطا - تأثیر در مهار افسردگی و بی حوصله گی - کاتالیزور موفقیت - افزایش امید به زندگی - تغییر در منش و نگرش و اخلاق فرد - مثبت اندیشی - تجسم فرد - آگاه سازی - تسریع رشد 	<ul style="list-style-type: none"> بمزایای دارد. - موسیقی و هنر انسان را به فطرت خود باز می گرداند. موسیقی روی سیستم ادراکی فرد تأثیر خوبی دارد - تأثیر موسیقی روی اندام های فیزیولوژیک تأثیرگذار است. - ۷۰ درصد بدن ما آب می باشد لذا تأثیر فرکانس موسیقی یایی روی بدن خیلی زیاد هست. - موسیقی بی کلام خلاقیت فرد را زیاد می کند و به اوج می رساند - موسیقی روشی برای تحمل کارهای خسته کننده است و کارهای تکراری را لذت بخش تر می کند. - موسیقی روی نبوغ فرد و کشف استعدادها - تأثیرگذار و کمک کننده می باشد. - موسیقی روی رشد عاطفی دختران نسبت به پسران بیشتر و حس مادری یک دختر ۱۲ الی ۱۸ ساله بیشتر تأثیر مثبت دارد. - موسیقی محدودیت های حرکتی اعضا بدن تأثیر بسزایی داشته و عضلات را تقویت می کند. - موسیقی فرد را از ابتلا به بیماری آلزایمر به دور می کند. - موسیقی روی بیش فعالی و انرژی مزاج دانش آموزان تأثیر بسزایی دارد. - موسیقی روی کاهش خطا و بی راهی و در نهایت بلوغ فکری تأثیرگذار است. - موسیقی روی افسردگی، خمودگی، بی حوصله گی، پرخاشگری، تنش تأثیر بسیار بسیار زیادی دارد. - موسیقی کاتالیزوری است برای موفقیت های شغلی دیگر - موسیقی فرد را دقیق حساس و منضبط بار می آورد. - موسیقی امید به زندگی را بالا می برد. - انگیزه به زندگی، نگرش به زندگی و خانواده، احترام به 	

کدگذاری انتخابی (مقوله های اصلی)	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	عناصر برنامه درسی
	<p>- زبان آرامش اعصاب</p> <p>- زبان قدرت لایتنهای خدا</p> <p>- زبان بی کلام</p> <p>- بالا بردن روحیه و فکر</p> <p>- افزایش مهارت</p> <p>حرکتی و جسمی فرد</p> <p>- تأثیرگذار در تفهیم</p> <p>مسائل مشکل درسی</p>	<p>پدر و مادر برادر خواهر، احترام به معلمین و بزرگترها را تعدیل می کند.</p> <p>- موسیقی موجب مثبت اندیشی می شود.</p> <p>- موسیقی خلق و خوی، منش کردار و در نهایت اخلاق فرد را متعادل می سازد.</p> <p>- بوعلی سینا می گوید صوت عامل خیلی مهم تجسم است.</p> <p>- با صدای موسیقی اعلام خطر را نشان می دهد (بوق)</p> <p>- از طریق موسیقی می توانیم درد جامعه را به تصویر بکشیم.</p> <p>- با صدای موسیقی زیباها را جمع می کنند.</p> <p>- با صدای موسیقی پیام خاصی می توان اعلام کرد (پادگان- زیردریایی)</p> <p>- با موسیقی رشد گیاهان (گل و گیاه) زیادتر می شود</p> <p>- با موسیقی مقدار شیردهی گاوها ۲ و یا ۳ برابر می شود.</p> <p>- در جهان خلقت، موسیقی باعث ایجاد نظم خصوصاً در سیستم اعصاب مرکزی (CNS) فرد می شود</p> <p>- در جهان خلقت هر چیزی منطبق ریاضی گونه و هندسی وار دارد در موسیقی نیز چنین است.</p> <p>- با توجه به نظم خلقت و جهان منطبق هندسی وار در هر چیز می توان با موسیقی به قدرت لایتنهای خداوند پی برد.</p> <p>- اگر مطلبی یا موضوعی را با گوش و زبان نتوانیم مطرح کنیم این کار با موسیقی امکان پذیر است</p> <p>- با موسیقی و یادگیری آن دانش آموزان خوب فکر می کنند و روحیه عالی دارند.</p> <p>- موسیقی نقش بسزایی در بالا بردن مهارت های حرکتی فرد می شود. (مهارت های جسمی) مثلاً نوازندگی</p> <p>- موسیقی موجب رشد شناختی بهتر دانش آموزان دوره متوسطه می شود.</p>	

کدگذاری انتخابی (مقوله های اصلی)	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	عناصر برنامه درسی
		<p>- موسیقی موجب شناخت اجتماعی دانش آموزان می گردد.</p> <p>- موسیقی در تفهیم مسایل مشکل درسی خصوصی ریاضی و غیره خیلی تأثیرگذار و مفید است.</p> <p>- بهترین تفریح و سالم ترین عامل برای پیشرفت تحصیلی و آترکت بین دروس خصوصاً علوم پایه است.</p>	
<p>- هماهنگی و نظم</p>	<p>- تربیت شنوایی</p> <p>- تقویت حس زیباییشناسی</p> <p>- رشد ذهن</p> <p>- ایجاد هماهنگی بین اعضا</p> <p>- هدف گذاری دقیق</p> <p>- تحریک حس کنجکاوی</p> <p>- تقویت نیمکره مغز انسان</p> <p>- استدلال فضایی و زمانی</p> <p>- نشاط فردی و اجتماعی</p> <p>- تعصب</p> <p>- کاهش وزن</p> <p>- حقیقت جویی</p> <p>- تسهیل گر یادگیری</p>	<p>- هدف از آموزش موسیقی تربیت شنوایی است.</p> <p>- هدف بالا بردن حس زیباییشناسی فرد توسط آموزش یک ساز است.</p> <p>- موسیقی روی پوست/ شنوایی/ بینایی نقش خیلی مهمی دارد.</p> <p>- موسیقی در گسترش ذهن نقش مؤثری دارد.</p> <p>- موسیقی روی اندیشیدن، محاسبه کردن، کارکرد خود مغز نقش دارد.</p> <p>- در ایجاد هماهنگی بین چشم، دست و ذهن نقش دارد.</p> <p>- هدف گذاری نقطه ای و دقیق بوجود می آورد.</p> <p>- حس کنجکاوی دانش آموزان را تحریک می کند.</p> <p>- هر دو نیمکره مغز انسان را تقویت می کند.</p> <p>- قدرت استدلال فضایی و زمانی را تقویت می کند.</p> <p>- شادی و نشاط را در دانش آموزان و جامعه ایجاد می کند.</p> <p>- روابط انسانی و خانوادگی را تعالی می بخشد.</p> <p>- شعور اجتماعی و فرهنگی را به جامعه باز می گرداند</p> <p>- تعصب خشک و خالی را از بین می برد.</p> <p>- موسیقی در سالن های ورزشی یک عامل برای کاهش وزن است.</p> <p>- موسیقی میانجی بین ذوق و حقیقت انسان است. اگر ذوقی باشد تفنن است ولی موسیقی انسان را به حقیقت سوق می دهد.</p> <p>- موسیقی یک ابزار facilitation تسهیل کننده یادگیری است و با خشونت نمی توان چیزی را تعلیم و آموزش داد.</p>	<p>هدف</p>

طراحی و اعتبارسنجی الگوی مطلوب برنامه درسی آموزش موسیقی

کدگذاری انتخابی (مقوله های اصلی)	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	عناصر برنامه درسی
<p>- تأکید بر درک شهودی</p> <p>- تقویت حس زیبایی شناختی</p>	<p>- نگاه فرایندی به موسیقی</p> <p>- آموزش نظری و عملی موسیقی</p> <p>- موسیقی سنتی، بومی و فولکوریک ایرانی</p> <p>- موسیقی ملل جهان</p> <p>- متدهای استاندارد</p> <p>- ابعاد چندگانه موسیقی</p> <p>- کشف و شهود</p> <p>- اصول انتخاب محتوا</p> <p>- نگاه زیبایی شناختی به موسیقی</p> <p>- از ساده به پیچیده</p> <p>- محتوای پژوهش محور</p>	<p>- در غرب محتوای آموزشی در جهت تربیت نوازندگی نیست، بلکه بالا بردن حس زیبایی شناسی است.</p> <p>- محتوا باید شامل آموزش ریشه (خنیا)، تاریخچه، قواعد و اسلوب، پیشکسوتان، فنون و تکنیک‌های موسیقی به صورت توامان باشد</p> <p>- آشنایی با موسیقی بومی سنتی و فولکوریک و ابزار و ادوات آن</p> <p>- آشنایی با موضوعات، ردیف‌ها، و دستگاه‌های موسیقی غنی ایران</p> <p>- آشنایی با موسیقی ملل دنیا/اروپا/خاورمیانه</p> <p>- آشنا نمودن دانش آموزان با موسیقی بومی/نواحی/شرقی/غربی/ ایرانی/ عربی/ فلامینگو/کانتری</p> <p>- آشنا نمودن دانش آموزان با موسیقی بلوز/ مذهبی/ پاپ/آئینی/ عرفانی/ راک/ متال/ کودک/ توشیح/ نوحه خوانی/ کلامی/ بی کلامی</p> <p>- آشنا نمودن دانش آموزان با سازبندی (ارکستراسیون) و آوازها/ موسیقی تکی Solo / سمفونیک / اپرا/ دونوازی/ سه نوازی/ چهارنوازی/ تلفیقی/ ضربی/ آرشه‌ای / آوایی (دسته گر)</p> <p>- استفاده از متدهای استاندارد دنیا</p> <p>- استفاده از دو بُعد (۱) بُعد تکنیک (هارمونی، کنترپوان، پولی فونی) (۲) بُعد اعتلای روحی انسان و درک و تصورات فرد</p> <p>- محتوا آموزش موسیقی باید قدرت کشف و شهود داشته باشد یعنی با سوال و جواب توام باشد.</p> <p>- تنظیم محتوا براساس ویژگی‌های هوش ۸ گانه گاردنر</p> <p>- تنظیم محتوا بر اساس اصول سه گانه انتقال، مقبولیت و درمان</p> <p>- محتوای آموزش موسیقی با نگاه دیسیپلینی (subject) تنظیم شود.</p>	<p>محتوا</p>

کدگذاری انتخابی (مقوله های اصلی)	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	عناصر برنامه درسی
		<p>- محتوا باید از اصول پایه موسیقی و زیبایی شناسی تبعیت کند.</p> <p>- محتوای درسی بایستی از اصول اولیه ساده و قابل فهم شروع و به تدریج به مهارت‌ها متوسط و پیچیده هدایت شوند.</p> <p>- در محتوا بایستی ارزش‌ها بر اساس اصول و هدایت مراحل موسیقی طراحی شود و شکل گیرد.</p> <p>- محتوا را باید پژوهش محور و دانش بنیان‌تر رواج دهیم.</p>	
<p>- همزاد با آموزش رسمی</p>	<p>- سن ۳ تا ۱۲ سالگی بهترین زمان آموزش موسیقی</p> <p>- کلاس به صورت نیم دایره</p> <p>- زمان تشکیل کلاس</p>	<p>- بهترین زمان آموزش سن ۳ تا ۱۲ سالگی است</p> <p>- یک نسخه ثابت و همگانی در مورد سن نمی‌توان مطرح کرد. (در ایران)</p> <p>- بلوک شرق یا بلوک غرب تفاوت زیادی با هم در شروع آموزش هنر و موسیقی داریم.</p> <p>- بهترین سن برای یادگیری موسیقی کلاسیک ۴ تا ۵ سالگی است و برای یادگیری موسیقی فولکلوریک ۹ سالگی مناسب است.</p> <p>- بعد از معماری شهر، موسیقی دومین گزینه یک گردشگر جهانی است.</p> <p>- مدت یادگیری و مقدمات آمادگی ۶ ماه تا ۱/۵ سال است.</p> <p>- جو کلاس یعنی مکان و فضای یادگیری موسیقی مثل جو کلاس درسی نباشد. کلاس نیم دایره پوستش و پاسخ توام با اجراء ساز آواز محیط شاد لازم است.</p> <p>- مکان باید آکوستیک باشد تا صدا به هم نیچد.</p> <p>- زمان یادگیری در دنیا بین ساعت ۹ الی ۱۰ صبح بهترین ساعت یادگیری چون فرد در این ساعات در اوج هوشیاری می‌باشد.</p>	<p>زمان و مکان</p>
<p>- گاه انفرادی و گاه گروهی</p>	<p>- فراهم کردن فرصت</p> <p>- آگاهی از روش‌های</p>	<p>- بهترین روش مؤثر در آموزش، داده فرصت تمرین و نحوه تمرین صحیح است.</p>	<p>روش، منبع،</p>

کدگذاری انتخابی (مقوله های اصلی)	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	عناصر برنامه درسی
	<p>مختلف تدریس</p> <p>- آموزش انفرادی و یا همنازی</p> <p>- استفاده از روش مناسب تدریس</p> <p>- تفهیم مطالب</p> <p>- روش آموزش انفرادی و گروهی</p> <p>- استفاده از کتاب اساتید صاحب سبک و فن</p> <p>- داشتن تجارب زیسته شده با استاد</p> <p>- گوش دادن مستمر به آثار فاخر بزرگان</p> <p>- استفاده از فیلم های آموزشی</p>	<p>کدگذاری باز</p> <p>- معلمین موسیقی بایستی نحوه تدریس و روش های تدریس گوناگون را یاد بگیرند تا تأثیرگذار باشند.</p> <p>- هر چیزی در کتاب ها نیست خلاقیت و ابداع معلم بهترین روش است که معلم با تجربه و با سابقه قادر به اجراست.</p> <p>- آموزش انفرادی و هم گروه نوازی و هم خوانی مناسب می باشد.</p> <p>- بهترین و متداول ترین روش های آموزش عبارتند از: ۱- روش تدریس ارف (شامل آوازخوانی/رقص/بازیگری). ۲- روش تدریس کدای (کودای) (آموزش از ترانه های محلی و فولکلوریک) ۳- روش تدریس سوزوکی (روش زبان مادری). ۴- روش تدریس دالکروز (روش حرکت/ذهن/جسم)</p> <p>- غالب ترین روش و متد آموزش موسیقی، تفهیم مطلب به هنرجو و بعد مطالب یادگرفته شده را از منابع و کتب معتبر تمرین و اجرا کند.</p> <p>- کتاب خودآموز در رشته موسیقی معنی ندارد بی مفهوم است.</p> <p>- دو نوع روش تدریس در موسیقی داریم: ۱- روش آموزش کلاسیک مدرسه ای که به صورت جمع می نشینند و کارگاهی است. ۲- روش مکتب خانهای که یک نفر معلم یا مرشد هدایت کلاس را بر عهده دارد.</p> <p>- متد رسمی و علمی هر ساز یا آلت بهترین منبع آن سازست.</p> <p>- آموزش انفرادی بهترین روش است.</p> <p>- تدریس گروهی بهترین متد آموزش موسیقی است</p> <p>- گوش دادن دقیق بهترین روش ممکن برای یادگیری است.</p> <p>- تدریس رو در رو و عملی با ساز مناسب ترین روش است.</p>	<p>امکانات</p>

کدگذاری انتخابی (مقوله های اصلی)	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	عناصر برنامه درسی
		<p>- آموزش مجازی و از راه دور در عالم هنر و موسیقی امکان پذیر نیست چون یک کار پراکتیکال است.</p> <p>- برای تدریس عملی مفاهیم اولیه، انفرادی، بهترین روش است.</p> <p>- برای تدریس عملی مفاهیم متوسطه و پیشرفته، جمع نوازی و گروه نوازی بهترین است.</p> <p>- بهترین روش، روشی است که آموزش موسیقی را فعال تر ایجاد کند و هنرجو محور باشد نه مدرس محور.</p> <p>- کتاب اساتیدی که جامعه آنها را نخبه باسواد مرجع و استاد به تمام معنی آن رشته می دانند مناسب است.</p> <p>- متد یکپارچه در تمام کشور مناسب ترین روش، منبع و امکانات است.</p> <p>- روش استاد- شاگردی بهترین روش قدیمی و سنتی است.</p> <p>- در قدیم شاگرد با استاد زندگی می کرد ناهار می خورد به سفر می رود و غیره بهترین روش با کارایی خوب بود.</p> <p>ارتباط روحی پیدا می کند به خاطر آن زندگی استاد گوش می کرد خیلی مجالست داشت.</p> <p>- گوش دادن مستمر به آثار هنرمندان فاخر و تقلید اجرا و کارنشان یک روش یادگیری است.</p> <p>- فیلم های آموزشی بهترین منبع برای یادگیری درس خلاقیت موسیقی است.</p> <p>- خلاصه کردن بعضی از دروس فرار مثل مباحث تاریخ موسیقی و استفاده از جعبه لایتنر روش خیلی خوبی است.</p>	
- تمرین عملی	<p>- فرصت تمرین منظم و مداوم</p> <p>- آستانه تحمل بالا</p> <p>- همراهی والدین</p> <p>- انگیزه و تمرین کافی</p>	<p>- تمرین های منظم / روزانه / مداوم و پی گیر خیلی مهم است</p> <p>- داشتن صبر و تحمل و شکیبایی مهم ترین عامل در فعالیت آموزش موسیقی است.</p> <p>- یکی از مهم ترین عامل در یادگیری، همراهی والدین در</p>	<p>فعالیت های یاددهی یادگیری</p>

کدگذاری انتخابی (مقوله های اصلی)	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	عناصر برنامه درسی
	<p>- قانون اثر اولیه</p>	<p>امر آموزش می باشد. در فعالیت یادهی و یادگیری، ۲ فاکتور مهم را در نظر بگیریم: ۱- ایجاد انگیزه در دانش آموز ۲- تمرین و ممارست در زمان های مشخص و منظم - نقش معلم و مربی در اولویت اول است برخوردار اولیه معلم با شاگردش اساس کار است.</p>	
<p>- تمرین و تکرار</p>	<p>- استفاده از آثار فاخر - تفهیم منطقی موضوع - تأکید بر اهداف قابل وصول - استراتژی تنوع منبع - روش پرسش و پاسخ - تأکید بر احساس و خلاقیت فراگیر - گروه نوازی - سطح بندی فراگیران - تأکید بر تمرین و ممارست - آموزش از ساده به مشکل</p>	<p>- از پیشکسوتان الگو برداری شود. - چرایی انجام موسیقی را بفهمانیم و زیبایی این کار نشان دهیم و تشریح کنیم - هدف گذاری نقطه ای نکنیم یعنی یک نقطه را در نظر نگیریم که برایشان دست یافتنی نیست. باید سعی کنیم فرایندی نگاه کنیم. - هدف گذاری نزدیک و قابل دسترس را باید در پیش بگیریم. - در موسیقی با اساتید متنوع کار شود و بهتر است یک دانش آموز در تعلیم هنر و موسیقی از چندین استاد بهره مند شود. - اگر هنرجویان در محیط موسیقایی و یا خانواده فرهنگی و هنری قرار گیرد پیشرفت مضاعفی خواهیم داشت. - سوال جواب بهترین روش یادگیری است - سوال کنیم اگر جواب نداد فرصت دهم تا دنبال جواب کنکاش کند. - در هنر و موسیقی بایستی روی احساس کار کنیم و روی تقویت احساس و خلاقیت و تکنیک کار شود. - کار گروه نوازی و دسته جمعی راه میان بر و راهبردی خوبی است. - اگر هنرجویان را سطح بندی کنیم به مبتدی، مقدماتی، پیشرفته و حرفه ای؛ با توجه به سطح هر فرد حجم تدریس را زیاد کنیم در آن صورت، بهره دهی خوبی خواهیم داشت.</p>	<p>راہبردهای یاددهی یادگیری</p>

کدگذاری انتخابی (مقوله های اصلی)	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	عناصر برنامه درسی
		<p>- تمرین و ممارست در دوران جوانی و در سنین پایین باعث بوجود آمدن راه‌های عصبی جدید شده و باعث موفقیت می‌شود.</p> <p>- در آموزش هم باید مفاهیم و هم باید عملکرد از ساده به مشکل تنظیم و اجرا گردد.</p>	
<p>- ماهر و تسهیل گر</p>	<p>- ایمان به رسالت معلمی</p> <p>- برخورداری از ویژگی شخصیتی عاطفی مطلوب</p> <p>- برخورداری از مهارت تدریس</p> <p>- برخورداری از مهارت اجتماعی</p> <p>- تأکید بر فراشناخت</p> <p>- باز آموزی</p> <p>- تقویت حس کنجکاوی</p> <p>- برخورداری از ویژگی‌های معلمی</p> <p>- آشنا با دانش روز</p>	<p>- عاشق کارش باشد و به کار تدریس و یاد دادن به بچه‌ها عشق بورزد.</p> <p>- دلسوز، مهربان، مطلع، آگاه، هنرمند به تمام معنی باشد.</p> <p>- انتقال دهنده خوبی باشد. نوازندگی خوب دلیل بر معلم خوب بودن نیست.</p> <p>- هنر تلافی تکنیک، عشق، استعداد و ژنتیک است معلم باید واجد این شرایط باشد.</p> <p>- باید کل نگر، مطلع از جامعه، باسواد، آشنا به مسایل آموزشی پرورش خانواده، متعهد مسئول و آشنا به مشکلات دانش‌آموزان</p> <p>- معلم خوب باید یک مسئله را یا یک مشکل درسی را به چند روش ممکن حل و تعلیم دهد.</p> <p>- روش اندیشیدن و یا عمل کردن را در موسیقی به آنها آموزش دهد.</p> <p>- معلم خوب کسی است که اگر هنرجویی موضوعی را فراموش و یا غلط اجرا کرد تلاش مضاعف کند تا درست آن را تعلیم دهد.</p> <p>- معلم خوب باید از دانش‌آموزان یک جستجوگر بسازد نه یک نیازمند.</p> <p>- معلم خوب موسیقی باید ۵ ویژگی داشته باشد: وارسته، پاکیزه با ظاهر زیبا؛ دلسوز و سخن‌ور؛ *سعه صدر و تحمل بالا؛ رافت، مهربانی، حسن برخورد، خوش خط؛ متعهد، متخصص، خستگی ناپذیر، کوشا، جدی؛ ابتکار عمل، صبور و شکیبیا.</p>	<p>فعالیت‌های معلم</p>

کدگذاری انتخابی (مقوله های اصلی)	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	عناصر برنامه درسی
		<p>-معلم باید در حد و توان فراگیران صحبت کند؛ با کلمات شیوا، قابل فهم، ملموس و قابل درک همگان.</p> <p>-مسئولیت پذیر باشد و مسئولیت پذیر بار بیاورد و عقاید خود را تحمیل نکند و انتقادپذیر باشد.</p> <p>-معلم باید جامعه شناس، روان شناس و خبره کار باشد.</p> <p>-معلم باید با متد روز آشنا بوده و کلاس های متنوع ضمن خدمت را طی کرده باشد.</p> <p>-معلم باید بر دانش موضوعی کاملاً آگاه و مسلط باشد و از صفر تا صد موضوع را بداند.</p> <p>-پروفسور ریچارد میلر ۱۰ فرمان آموزش موسیقی را چنین بیان می کند. (۱۰ ویژگی معلم هنر و موسیقی چیست؟) ۱- آیا معلم اطلاعاتی که به دانش آموزان می دهد درست و معتبر است؟ ۲- آیا معلم مفاهیم موسیقی و تدریسی که می کند قابل درک و فهم است؟ ۳- آیا معلم واقعاً تصمیم دارد سطح ارتقاء دانش علمی نظری را بالا ببرد؟ ۴- آیا معلم بدون در نظر گرفتن هوش و استعداد و توانایی فرد با احترام رفتار می کند؟ ۵- آیا معلم کاری که انجام می دهد تعریف و چارچوب و معیارش را می داند؟ ۶- آیا معلم هر دقیقه کلاسی که درس می گوید واقعاً برای دانش آموزان مفید و قابل قبول است؟ ۷- آیا معلم بیشتر از خودش حرف می زند و یا در خصوص شاگردش؟ ۸- آیا معلم اشتباه شاگردش را سرزنش کند و یا تشویق و کمک به نقاط قوت او؟ ۹- آیا معلم آموزشی که می دهد، پر کردن ساعت فرد است یا تماماً آموزش و درس مطلب است؟ ۱۰- آیا معلم طراحی و راهکارهایی برای رفع نقاط ضعف دارد؟</p> <p>-معلم موسیقی باید تفکر فیزیونومیک داشته باشد</p>	
- گروه های نامتجانس	- عدم گروهبندی براساس مهارت و توانمندی	-فردی قوی و ضعیف در یک سطح و در کنار هم باشد و تناسب نوازندگی رعایت شود. -آهنگ و قطعه متناسب با سن و سال و تجربه فرد باشد.	گروه بندی فراگیران

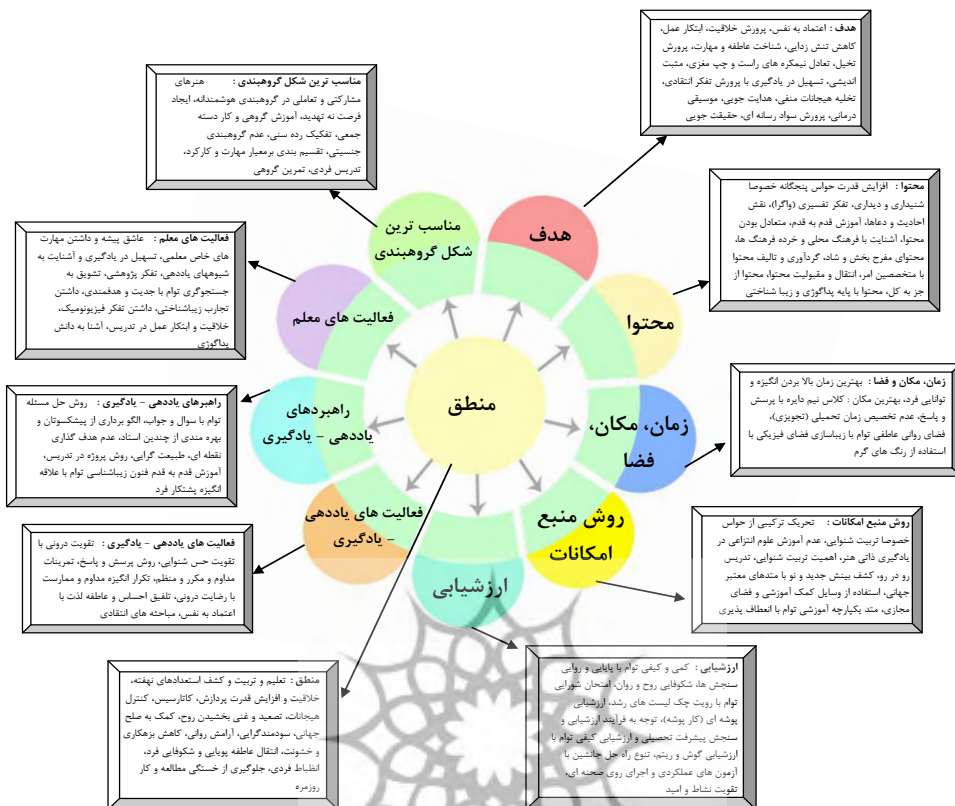
کدگذاری انتخابی (مقوله های اصلی)	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	عناصر برنامه درسی
	<p>- آموزش متناسب با سطح گروه</p> <p>- تشکیل گروه‌های مختلف آموزشی برای فعالیت عملی</p> <p>- آموزش انفرادی تئوری‌ها و نظریات</p> <p>- عدم گروه‌بندی براساس سن و جنسیت</p>	<p>- کارگروهی خیلی وجدآور و جذاب است و گروه کُر و سلفژ عمومی تشکیل شود. آموزش گروهی همیشه مناسب است.</p> <p>- درس باید بصورت انفرادی یاد داده شود. تمرین و اجرا باید به صورت گروهی تعلیم داده شود.</p> <p>- چون موسیقی یک کار مهارت حرکتی است باید فردی صورت گیرد در حوزه تمرین و اجرا مهارت گروهی شود.</p> <p>- در گروه بندی تفاوت سنی مانع ایجاد نکند. هر چقدر سنین به هم نزدیک‌تر باشد اشتراک مساعی و هم‌خو بودن راحت‌تر می‌شود.</p> <p>- در شاخه هنر و موسیقی حضور کوچکترها با بزرگترها با هم مناسب نیست باید منفک باشند.</p> <p>- تشکیل گروه هنری به تفکیک جنسیت اصلاً درست نیست همه چیز در دنیا زوج آفریده شده است.</p>	
<p>- ارزشیابی عمل گرا</p>	<p>- معیارهای معتبر و روا</p> <p>- ارزشیابی نظری و عملی به صورت توأمان</p> <p>- اجرای زنده موسیقی (صحنه ای)</p> <p>- استفاده از آزمون استاندارد</p> <p>- استفاده از ملاک واقعی و عینی ارزشیابی</p>	<p>- معیار سنجش‌ها باید پایایی و روایی (مداوم و درست) داشته باشد.</p> <p>- حتماً در این خصوص (هنر و موسیقی) تست اعتماد به نفس را بگیریم.</p> <p>- ارزشیابی موسیقی و هنر ۲ بحث دارد: ۱- ارزشیابی بخش نظری شامل آزمون کتبی- پرسش شفاهی. ۲- ارزشیابی بخش عملی شامل اجرای قطعه تعیین شده و یا به اختیار است.</p> <p>- هر سال در هنرستان‌های موسیقی ۲ پار اجرای صحنه‌ای انجام گیرد.</p> <p>- بهترین ارزشیابی و ارزیابی فرد، امتحان شورایی (عملی) است.</p> <p>- در ارزشیابی عملی باید روی درک موسیقی، اجرای عملی، تکنوازی، دونوازی، آکومپانیمنت بتأکید کنیم کنیم</p> <p>- در ارزشیابی نظری باید روی هارمونی، فرم، آهنگ‌سازی،</p>	<p>ارزشیابی</p>

کدگذاری انتخابی (مقوله های اصلی)	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	عناصر برنامه درسی
		<p>دیکته موسیقی، سلفژ کار کنیم.</p> <p>- واژه ارزشیابی در موسیقی معنی و مفهوم ندارد. معیار مهم سنجش هنر و موسیقی، شناخت و درک فرد است یعنی اینکه چقدر فهمیده و آگاهی یافته است.</p> <p>- آزمون مداد کاغذی خوب نیست و مفهوم ندارد. مسابقه و رقابت در سالن موسیقی هم درست و صحیح نیست.</p> <p>- اولین ملاک ارزشیابی، گوش و دومین آن، ریتم است.</p> <p>- پارامترهای مختلف ارزشیابی عبارتند از: تکنیک/موزیکالیت (بیان موسیقی)/ مشخصات آهنگ (تاریخچه، اجرا کننده، نام اثر، سال / اجرا و کدام دوره) هستند.</p> <p>- امتحان گرفتن در موسیقی و هنر کاردستی قضاوت خوبی نیست. بهترین ملاک امتحان خود معلم فرد است که در طول سال و سالیان او را می شناسد شناخت کافی دارد ارزیابی خوبی است.</p> <p>- مهمترین نوع ارزشیابی و یا آزمون در جهان که در رویال کالج انگلستان انجام می گیرد برای ارزشیابی سطح نوازندگی هنرجویان قبل از ورود به دانشگاه عبارتند از: ۱- آزمون شفاهی ABRSM دیپلم ۲- آزمون شفاهی Larsm ليسانس ۳- آزمون شفاهی Farsm فوق ليسانس</p> <p>- ملاک های ارزشیابی خوب: واقعی باشد/ ارزش اجتماعی را لحاظ کند/ محتوا را اندازه بگیرد/ مرتبط با دروس تدریس شده باشد/ هم خوانی یا سبک یادگیری داشته باشد/ ارزشیابی غلط نمی تواند چیزی که گفته شده یاد داده شده را به یادش بیندازد.</p> <p>- آزمون های عملکردی بهترین نوع ارزیابی و ارزشیابی است.</p>	

جدول ۱ نشان می‌دهد که پس از پیاده سازی مجموع ۲۵ ساعت مصاحبه با شرکت کنندگان و طی کردن کدگذاری باز و محوری در عنصر منطق، ۷۰ کد باز و ۵۶ کد محوری؛ در عنصر هدف، ۱۷ کد باز و ۱۵ کد محوری؛ در عنصر محتوا، ۱۸ کد باز و ۱۱ کد محوری؛ در عنصر زمان و مکان، ۹ کد باز و ۳ کد محوری؛ در عنصر روش، منبع و امکانات، ۲۴ کد باز و ۸ کد محوری؛ در عنصر فعالیت‌های یاددهی و یادگیری، ۴ کد باز و ۵ کد محوری؛ در عنصر راهبردهای یاددهی و یادگیری، ۱۴ کد باز و ۱۱ کد محوری؛ در عنصر فعالیت معلم، ۱۷ کد باز و ۹ کد محوری؛ در عنصر گروه بندی دانش‌آموزان، ۸ کد باز و ۵ کد محوری و در عنصر ارزشیابی، ۱۵ کد باز و ۵ کد محوری بدست آمد.



طراحی و اعتبارسنجی الگوی مطلوب برنامه درسی آموزش موسیقی



شکل ۱-۱: الگوی پیشنهادی مطلوب برنامه درسی آموزش موسیقی در دوره اول و دوم متوسطه

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲- این الگو پیشنهادی مطلوب از چه میزان اعتباری برخوردار است؟

برای اعتبارسنجی این الگو، چک لیست تنظیمی با عناصر ده گانه اگر در مقیاس ۵ امتیازی لیکرت بین ۱۵ نفر از متخصصان برنامه درسی و روانشناسان تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت و متخصصان اساتید موسیقی توزیع شد که در نهایت محاسبه میزان اعتبار الگوی پیشنهادی به روش دلفی یا نظرسنجی عناصر ده گانه اگر اعتبارسنجی گردید. قابل ذکر است اکثریت متخصصان، حوزه های پیشنهادی این پژوهش را کافی دانسته اند و بیان کردند که تقریباً تمام

حوزه‌های مرتبط با برنامه درسی موسیقی اعم از روانشناسی، فلسفه تعلیم و تربیت و علوم تربیتی در این الگوی پیشنهادی ارائه شده است.

با توجه به روش دلفی انجام یافته در تجزیه و تحلیل با وزنی که به ۵ گزینه بسیار مناسب (کاملاً موافقم)، مناسب (موافقم)، تا حدودی مناسب (تا حدودی موافقم)، نامناسب (مخالقم) و بسیار نامناسب (کاملاً مخالفم) که به منظور سهولت بررسی و نتیجه‌گیری از طیف لیکرت، عنوان «مناسب» برای گزینه بسیار مناسب و مناسب و برای گزینه‌های تا حدودی مناسب، نامناسب و بسیار نامناسب عنوان «نامناسب» انتخاب گردید. بررسی درصد اعتبار طبق جدول مذکور بیشترین مقدار ۱۰۰٪ و کمترین مقدار ۸۰٪ قابل استفاده و پیاده‌سازی است. این الگو از نظر صاحب‌نظران و کارشناسان برنامه‌ریزی درسی با میانگین کل ۹۱٪ معتبر تشخیص داده شده است.

متخصصان بیان نمودند که با توجه به الگوی پیشنهادی برنامه درسی به ویژه برای درس آموزش موسیقی بین حوزه‌های مورد مطالعه و عناصر ده گانه اگر ارتباط منطقی وجود دارد. ۹۱٪ متخصصان این ارتباط را مناسب ارزیابی نموده‌اند و اذعان داشتند که اصول برنامه درسی به سمت اهداف، محتوا و روش‌های تدریس و ارزشیابی یک سیر منظم و از کل به جزء بوده و نظم و ترتیب منطقی را دارا می‌باشد. لازم به ذکر است که هیچ کدام از متخصصان در اعتباریابی الگو به طیف‌های تا حدودی مناسب، نامناسب، بسیار نامناسب پاسخ نداده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

طراحی و اعتبارسنجی الگوی مطلوب برنامه درسی آموزش موسیقی

جدول ۲: محاسبه میزان اعتبار الگوی پیشنهادی آموزش موسیقی در دوره متوسطه (به روش دلفی و یا نظرسنجی)

عناصر دهگانه اکر	نقد اول	نقد دوم	نقد سوم	نقد چهارم	نقد پنجم	نقد ششم	نقد هفتم	نقد هشتم	نقد نهم	نقد دهم	نقد یازدهم	نقد دوازدهم	نقد سیزدهم	نقد چهاردهم	نقد پانزدهم	درصد اعتبار
منطق	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	٪۹۴
اهداف	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	٪۸۷
محتوا	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	٪۹۴
زمان، مکان، فضا	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	٪۸۰
روش، منبع، امکانات	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	٪۹۴
آزمایشی	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	٪۹۴
فعالیت های یاددهی - یادگیری	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	٪۸۷
راهنمای یاددهی - یادگیری	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	۱۰۰٪
فعالیت های معلم	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	ب. م	۱۰۰٪

عناصر دهگانه اکر	ت	م	ت	م	ت	م	ت	م	ت	م	ت	م	ت	م	ت	م	درصد اعتبار
گروه بندی	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	۸۰٪

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی مقاله حاضر، طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی آموزش موسیقی در دوره متوسطه و هنرستان‌های موسیقی و اعتبارسنجی آن بود. یافته‌ها نشان داد که منطق و چراهای متعددی برای گنجاندن آموزشی موسیقی در برنامه درسی دوره متوسطه از جمله: نظم و انضباط و دقت فردی؛ بالا بردن سرعت پردازش اطلاعات؛ بالا بردن اعتماد به نفس؛ بالا بردن قابلیت مغز و شناخت انسان؛ کنترل هیجانات؛ توانایی رمزگشایی؛ حس تعاون و همکاری؛ حس مسئولیت‌پذیری؛ آموزش از خود گذشتگی؛ حس میهن پرستی و فرهنگ دوستی؛ غنا بخشیدن به زندگی و تقویت مهارت‌های اجتماعی؛ خلاقیت فردی؛ مهار افسردگی و بی‌حوصله‌گی؛ زبان بی‌کلام؛ بالا بردن روحیه و فکر و غیره وجود دارد. هدف این الگو می‌تواند تقویت حس زیباشناسی؛ ایجاد هماهنگی بین اعضا؛ تحریک حس کنجکاوی؛ نشاط فردی و اجتماعی؛ تعالی روابط انسانی؛ تقویت حواس پنجگانه؛ تقویت شعور اجتماعی و فرهنگی و غیره باشد. ویژگی‌های محتوا از دید شرکت کنندگان در مصاحبه نیز عبارتند از: نگاه فرایندی به آموزش موسیقی؛ آموزش نظری و عملی موسیقی؛ آموزش موسیقی سنتی، بومی و فولکوریک ایرانی؛ برخوردار بودن محتوا از قدرت کشف و شهود؛ تعلیم متدهای استاندارد دنیا؛ نگاه زیبایی‌شناختی محتوا به موسیقی؛ از ساده به پیچیده بودن محتوا؛ ابعاد چندگانه محتوای موسیقی و غیره. بلحاظ زمان و مکان ویژگی‌ها عبارتند از: سن ۳ تا ۱۲ سالگی بهترین زمان آموزش موسیقی؛ کلاس به صورت نیم دایره؛ آکوستیک بودن فضا؛ ساعت ۹ الی ۱۰ صبح بهترین ساعت یادگیری؛ نبودن یک نسخه ثابت و همگانی در مورد سن و غیره و به لحاظ روش، منبع و امکانات عبارتند از فراهم کردن فرصت تمرین به عنوان مناسب‌ترین شیوه

طراحی و اعتبارسنجی الگوی مطلوب برنامه درسی آموزش موسیقی

یادگیری؛ آموزش انفرادی برای تدریس عملی مفاهیم اولیه و آموزش برای تدریس عملی مفاهیم متوسطه و پیشرفته همنازی؛ داشتن تجارب زیسته شده با استاد؛ آگاهی و استفاده از روش مختلف تدریس؛ گوش دادن دقیق بهترین روش ممکن برای یادگیری؛ تدریس رو در رو و عملی با ساز به عنوان مناسب‌ترین روش؛ گوش دادن مستمر به آثار فاخر بزرگان؛ استفاده از فیلم آموزشی و به لحاظ فعالیت‌های یاددهی و یادگیری شامل فرصت تمرین منظم و مداوم؛ داشتن صبر و شکیبایی و آستانه تحمل بالا؛ همراهی والدین و توجه معلمان به قانون اثر اولیه و غیره می‌باشد. راهبردهای یاددهی و یادگیری هم در برگیرنده تفهیم منطق موضوع به دانش‌آموزان؛ تأکید بر اهداف قابل وصول؛ استراتژی تنوع منبع؛ روش پرسش و پاسخ؛ سطح بندی فراگیران؛ تأکید بر احساس و خلاقیت فراگیر و غیره و فعالیت معلم هم شامل ایمان به رسالت معلمی؛ برخورداری از ویژگی شخصیتی عاطفی مطلوب؛ برخورداری از مهارت تدریس؛ برخورداری از مهارت اجتماعی؛ تأکید بر فراشناخت؛ آشنا با دانش روز و غیره می‌باشد. در ویژگی‌های گروه‌بندی دانش‌آموزان معتقدند به عدم گروه‌بندی براساس مهارت و توانمندی؛ آموزش متناسب با سطح گروه؛ تشکیل گروه‌های مختلف آموزشی برای فعالیت عملی؛ آموزش انفرادی تئوری‌ها و نظریات؛ عدم گروه‌بندی بر اساس سن و جنسیت و غیره و ارزشیابی نیز باید با تعیین معیارهای ارزشیابی معتبر و روا؛ ارزشیابی نظری و عملی به صورت توانمان؛ اجرای زنده موسیقی (صحنه‌ای)؛ استفاده از آزمون استاندارد؛ استفاده از ملاک واقعی و عینی ارزشیابی و غیره باشد. همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد که الگوی پیشنهادی آموزش موسیقی در دوره متوسطه از نظر متخصصان از ۰/۹۱٪ اعتبار برخوردار بوده است. نتایج این یافته اگرچه به خاطر فقدان پژوهش‌ها با خلاء پژوهشی روبرو است اما به طور غیرمستقیم با نتایج برخی از پژوهش‌ها نظیر حسن‌زاده (۱۳۹۲)، قورچانی (۱۳۹۰)، لرکیان (۱۳۹۹)، شرفی (۱۳۸۹)، رضایی (۱۳۹۲)، کاظم‌پور و همکاران (۱۳۸۷) و چارلی روی و همکاران (۲۰۱۱)، وان لیت و همکاران (۲۰۱۰) و یوردیک (۲۰۱۰) رضایی (۱۳۸۸)، استکی و همکاران (۱۳۸۶)، فخاری‌زاده (۱۳۸۵)، اکسین و همکاران (۲۰۱۲) (به نقل از واتر و همکاران، ۲۰۰۸)، گزانیکا (۲۰۰۸)، اسمیت (۲۰۰۸)، کالول و همکاران (۲۰۱۳)، وانگ و همکاران (۲۰۱۱) همسو و هماهنگ است.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت از نظر آموزشی، مهم‌ترین هدف موسیقی، پرورش حواس به مثابه ابزار شناخت در افراد است که این پرورش حواس بوسیله موسیقی به خصوص در کودکان و نوجوانان نمود بیشتری می‌یابد. روانشناسی، موسیقی را برای کودکان و نوجوانان نوعی نیاز روانی می‌شناسد و بنابراین آموزش آن به منظور تربیت موسیقیدان نیست بلکه در حد پاسخ به همین نیاز طبیعی است. موسیقی بویژه اگر به شیوه گروهی انجام گیرد در ایجاد مهارت‌های اجتماعی لازم در کودکان و نوجوانان نقش مؤثری دارد و در از بین بردن رفتارهایی چون خجالت و کم‌رویی از روش‌های دیگر مناسب‌تر است و سازگاری و همکاری کودکان و نوجوانان را با یکدیگر سبب می‌شود (سالم و محمدپور، ۱۳۸۵). امروزه کاربرد هنر بخصوص موسیقی به نوعی فراگیر و مهم تلقی شده است که در علوم و حرف، ردپای هر نقش مهم آن را می‌توان نظاره کرد. ریاضیات، فیزیک و روانشناسی علوم هستند که به نوعی با موسیقی مرتبط بوده، مباحث ویژه‌ای پیوند میان آنها را نمایان می‌سازد. این اتصال تا جایی پیش می‌رود که به درمان و تعلیم و تربیت می‌رسد. در حال حاضر موسیقی از حد یک سرگرمی یا هیجان فراتر رفته، تأثیرات شناختی آن در افزایش توان ذهنی، تمرکز، مهارت حرکتی، دقت و هماهنگی حواس از فعالیت‌های دیگر هنرها بارزتر است. از سویی آموزش موسیقی به خاطر مفاهیم انتزاعی، نیاز به روش‌هایی دارد که کودکان و نوجوانان را در مسیر تجربه و فعالیت‌های عینی و ملموس قرار می‌دهد و فرآیند یادگیری را آسان و سریع می‌سازد. این گونه است که ضرورت آموزش مناسب موسیقی به عنوان برنامه‌ای عمومی در مقطع تحصیلی دبستانی و دبیرستانی تا پیش از دانشگاه احساس می‌شود (گل صباحی، ۱۳۷۹).

اگر برنامه درسی آموزش موسیقی و همچنین معلمی که این برنامه را تدریس و اجرا می‌کند از کیفیت مطلوب و خوبی برخوردار باشد می‌تواند اهدافی از قبیل اعتماد به نفس، خلاقیت و ابتکار عمل، جذابیت اهداف، تسهیل در یادگیری، تخلیه هیجانات منفی و غیره را که در الگو به آنها اشاره شده پیگیری نماید. موضوع مهم دیگری که بایستی به آن اشاره کرد استفاده از برخی مولفه‌ها مانند تخصیص زمان غیرتجویزی در برنامه زمانی مدرسه و همچنین تولید مواد و منابع آموزشی متنوع و مناسب با موقعیت‌های جغرافیایی، بومی فرهنگی منطقه

طراحی و اعتبارسنجی الگوی مطلوب برنامه درسی آموزش موسیقی

اجرا می‌باشد که نیازمند تفویض اختیار به مسئولین، معاونین، مدیران، عاملان اجرایی استانی، منطقه‌ای و حتی بخش خصوصی است. الگوی پیشنهادی پیش رو از سوی صاحب‌نظران متخصصان برنامه درسی، روان‌شناسان تربیتی، فلسفه تعلیم و تربیت، متخصصان اساتید معلمان حوزه موسیقی و وزارت آموزش و پرورش معتبر تشخیص داده شد و اصلاحات لازم نیز بر اساس نظرات و پیشنهادهای سازنده و کلیدی آنان در الگو انجام یافت، اما نباید چنین تصور نمود که هر آنچه که در این پژوهش بدست آمده کامل درست و بی‌نقص است بلکه باید افزود پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی از قبیل ماهیت بین رشته‌ای بودن موضوع پژوهش و دشواری‌های حاصل از آن؛ وجود اختلاف نظر علمی بین متخصصان برنامه‌ریزی درسی و روان‌شناسی و فلسفه با متخصصان موسیقی و مشکل بودن ایجاد هماهنگی بین دیدگاه‌های آنان و همچنین فقدان دید پژوهشی و فن‌آوری به امر موسیقی در مدارس و هنرستان‌های موسیقی و نگرش صرف مصنوعی به هنر و موسیقی انجام یافته است؛ با اینحال لازم است موضوع آموزش موسیقی در برنامه درسی در آینده با تحقیقات بیشتری توسعه و غنا یابد.

با توجه به یافته‌ها و محدودیت‌های پژوهش حاضر پیشنهادهای ذیل ارائه می‌گردد:

- با توجه به عنصر منطقی پیشنهاد می‌شود که براساس الگوی ارائه شده کشف استعدادها، نهفته، افزایش قدرت تخیل و پردازش، کنترل هیجانات، غنی‌بخشیدن به روح و روان، کاهش بزهکاری و خشونت، انضباط فردی از طرف دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان درسی دوره متوسطه آموزش و پرورش به عنوان سرلوحه کار قرار گرفته و در میدان عمل هم مورد توجه قرار گیرند.
- با توجه به عنصر هدف پیشنهاد می‌شود که در تنظیم کتب درسی دوره متوسطه اهداف ترسیم شده در الگو توسط متخصصان و کارشناسان برنامه‌ریزی درسی وزارت آموزش و پرورش به طور کامل انعکاس یافته تا دانش‌آموزان و هنرجویان با توجه به این اهداف آموزش‌های لازم را ببینند.
- با توجه به عنصر محتوا پیشنهاد می‌شود که محتوای آموزشی کتب درسی دوره متوسطه در راستای الگوی ارائه شده تنظیم و این محتوا در همین غالب از طریق روش‌های مختلف تدریس به دانش‌آموزان و هنرجویان انتقال یابد.

- با توجه به عنصر زمان و مکان پیشنهاد می‌شود که زمان اختصاص یافته به آموزش موسیقی در دوره متوسطه افزایش یافته تا میزان آشنایی هنرجویان با این امر مهم بهبود یابد و همچنین بهترین فضاها و مکان‌های آموزشی از لحاظ هنری برای هنرجویان از طرف دست‌اندرکاران تدارک دیده شود.
- با توجه به عنصر روش تدریس پیشنهاد می‌شود که از روش‌های تدریس (انفرادی، همنازی، اجرای زنده و در صحنه) همراه با وسایل کمک آموزشی مناسب در جهت آموزش موسیقی برای هنرجویان هنرستان‌های موسیقی توسط معلمان استفاده شود.
- با توجه به عنصر ارزشیابی پیشنهاد می‌شود که فرایند ارزشیابی از طریق روش‌های مختلف کمی و کیفی و عملکردی یعنی ارزشیابی نظری و عملی به صورت توأمان؛ اجرای زنده موسیقی (صحنه‌ای)؛ استفاده از آزمون استاندارد؛ استفاده از ملاک واقعی و عینی ارزشیابی و غیره در حوزه موسیقی جهت ارزشیابی هنرجویان استفاده شود.
- با توجه به عنصر فعالیت‌های یاددهی - یادگیری پیشنهاد می‌شود که از طرف معلمان فعالیت‌های یاددهی و یادگیری به صورت پرسش و پاسخ و تمرینات مداوم عملی اجرا شود یعنی با توجه به ماهیت موسیقی بهتر است که فعالیت‌های تدریس یادگیری به صورت عملی انجام شود.
- با توجه به عنصر راهبردهای یاددهی - یادگیری بر اساس الگوی ارائه شده پیشنهاد می‌شود که روش پروژه، آموزش قدم به قدم از طرف معلمان اجرا شود. البته برای اجرای این راهبردها بایستی از معلمان متخصص که آموزش‌های لازم را در نظر گرفته‌اند استفاده شود.
- با توجه به عنصر فعالیت‌های معلم بر اساس الگوی ارائه شده پیشنهاد می‌شود که معلمان از طریق ارتقاء توانایی‌های خود در قالب آموزش‌های ضمن خدمت و شرکت در کارگاه‌ها و ضمن برخورداری از دانش روز و استفاده از آن بتوانند هنرجویان را در ابعاد مختلف رشد و ارتقاء دهند.

طراحی و اعتبارسنجی الگوی مطلوب برنامه درسی آموزش موسیقی

- با توجه به عنصر گروه‌بندی دانش‌آموزان پیشنهاد می‌شود که هنرجویان به صورت عدم گروه‌بندی بر اساس سن و جنسیت و همچنین مهارت و توانمندی گروه‌بندی شده تا بتوانند آموزش‌های لازم را کسب نمایند.

منابع

- استکی، مهناز، عشایری، حسن، برجعلی، احمد، تبریزی، مصطفی و دلاور، علی. (۱۳۸۶). مقایسه اثربخشی دو روش آموزش دو نیمکره مغز و آموزش موسیقی در بهبود عملکرد حساب نارسایی دانش‌آموزان دختر. *کودکان استثنایی (پژوهش در حیطه کودکان استثنایی)*، ۴ (۲۶): ۴۲۵-۴۴۸.
- افلاطون. (۱۳۵۷). قوانین، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران، انتشارات خوارزمی.
- انصاری مقدم، اکرم. (۱۳۷۲). بررسی تأثیرات موسیقی بر افراد افسرده در مقایسه با افراد عادی. دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- ایمان، محمدتقی. (۱۳۹۰). مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی. انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه گروه فلسفه علوم انسانی، تهران.
- بورگ، والتر، گال، مردیت و گال، جویس. (۱۳۹۹). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی. ترجمه احمدرضا نصر اصفهانی و همکاران، انتشارات سمت.
- تمنایی فر، محمدرضا، امینی، محمد، یزدانی، کاشانی، زینب. (۱۳۸۹). تاملی در کارکردهای تربیت هنری در نظام آموزشی، مجله رشد آموزش هنر، ۲۴: ۴۹-۴۲.
- حسن‌زاده، روح‌الله. (۱۳۹۲). مقایسه دیدگاه‌های علامه جعفری (ره) و هری برودی درباره تربیت زیبایی شناختی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه طباطبائی تهران.
- دوست‌دار، هاتف. (۱۳۸۷). شیوه‌ی آموزش موسیقی به کودکان. تهران: انتشارات چنگ.
- رضایی، منیره. (۱۳۸۸). تدوین الگوی نظری تربیت زیبایی‌شناسی و هنری در تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران. طرح پژوهشی پژوهشکده تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش.
- رضایی، منیره. (۱۳۹۲). تربیت هنری در نظام آموزشی ایران. مجله مطالعات فرهنگ و ارتباطات. ۱۴ (۵۴): ۷-۲۹.

- سالم، سودابه و محمدپور، آیت‌الله. (۱۳۸۵). آموزش موسیقی در مدارس دوره ابتدایی، تهران: انتشارات منادی تربیت.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). وزارت آموزش و پرورش: www.medu.ir.
شجاعی، معصومه و دانش فر، افخم. (۱۳۹۷). رشد حرکتی. چاپ نهم، تهران، انتشارات: دانشگاه امام حسین.

شرفی، حسن. (۱۳۸۹). طراحی و تدوین برنامه درسی هنر بر اساس رویکرد تلفیق هنر و علوم با تأکید بر مفهوم تولید هنر در پایه چهارم و پنجم ابتدایی. فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۱۰۶: ۱۳۰-۱۰۵.

صابری، افسانه. (۱۳۹۶). تأثیر آموزش موسیقی بر خلاقیت دانش‌آموزان، نشریه‌نامه هنرهای نمایشی و موسیقی، ۷(۱۴): ۱۱۶-۱۰۳.

عسگری، مرضیه، مکنونی، بهنام و نادری، فرح. (۱۳۹۴). اثربخشی موسیقی درمانی بر کیفیت زندگی و خودکارآمدی سالمندان. دومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در علوم انسانی.

فخاری‌زاده، سعید. (۱۳۸۵). تأثیر آموزش موسیقی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی شهرستان نجف‌آباد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.

قاسم‌تبار، سید نبی‌الله، مفیدی، فرخنده و زاده‌محمدی، علی. (۱۳۹۰). مجله روانشناسی تحولی روان‌شناسان ایرانی، ۲۷: ۲۴۵-۲۵۴.

قورچیانی، صرفی. (۱۳۹۰). آموزش هنر در دوره مدارس راهنمایی، مجله رشد آموزش هنر، ۲۸: ۵۶-۵۹.

کاظم‌پور، اسماعیل، رستگاپور، حسن و سیف‌نراقی، مریم. (۱۳۸۷). ارزشیابی برنامه درسی هنر دوره راهنمایی تحصیلی بر اساس رویکرد دیسپلین محور. فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، ۲(۴): ۱۵۰-۱۲۵.

کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۸۵). نقش علوم تربیتی در ادبیات کودک، کتاب ماه کودک و نوجوان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۵: ۳۱-۱۱.

طراحی و اعتبارسنجی الگوی مطلوب برنامه درسی آموزش موسیقی

گل صباحی، طیبه. (۱۳۷۹). بررسی نظام آموزشی از دوره پیش از دبستان تا پایان دوره متوسطه. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران- دانشکده هنر و معماری ت (۱۳۰). ص، شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۵۹۱۸.

لرکیان، مرجان، مهرمحمدی، محمود، ملکی، حسن و مفیدی، فرخنده. (۱۳۹۰). طراحی و اعتباربخشی الگوی مطلوب برنامه درسی هنر دوره ابتدایی ایران. فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، ۶(۲۱): ۱۶۳-۱۲۳.

مبانی نظری تحول بنیادین آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). وزارت آموزش و پرورش: www.medu.ir.
مهریان، جواد (۱۳۹۸). تأثیر آموزش موسیقی بر بهزیستی روانشناختی دانش آموزان. فصلنامه مدیریت و چشم انداز آموزش، ۱ (۲): ۱۳-۱.

مهرمحمدی، محمود و کیان، مرجان. (۱۳۹۹). برنامه درسی و آموزش هنر در آموزش و پرورش، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.

مهرمحمدی، محمود. (۱۳۹۸). آموزش عمومی هنر، (چیستی، چرایی و چگونگی)، تهران: انتشارات منادی تربیت.

نوری، علی و فارسی، سهیلا. (۱۳۹۵). ارزشیابی برنامه درسی هنر دوره ابتدایی به روش خبرگی و نقادانه تربیتی. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۳۲ (۱): ۱۱۶-۷۷.

هدایتی و کیانی، مریم؛ برجعلی، احمد؛ بازرگان، سیمین و مومنی فر، محمد. (۱۳۹۷). اثربخشی فعالیت‌های تربیت بدنی و موسیقی مبتنی بر دیدگاه مطالعات برنامه درسی راهبردی و برنامه‌ریزی چند بعدی بر کاهش اضطراب کودکان پیش دبستانی. فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، ۱۲(۵۱): ۱۶۸-۱۴۵.

یگر، ورنر. (۱۳۷۶). پایدیا، ترجمه محمدحسین لطفی، جلد ۱ و ۲، تهران، انتشارات خوارزمی.

Adams, Kelley, W. (2009). *The Relationship Between Art Education & Student Achievement in Elementary schools*. Doctoral, Study, College of Education Walden University, USA.

Albornoz, Y. (2011). The effects of group improvisational music therapy on depression in adolescents & adults with substance abuse: A randomized controlled trail. *Nordic Journal of Music therapy*, 20(3), 208- 224.

- Bumgarner Gee, Constance. (2004). *Sprit, Mind and Body: Arts Education the Redeemer*. Edited By Elliot W. Eisner and Michael D. Day; Handbook of Research and Policy in Art Education National Art Education Association (NAEA) and Lawrence Erlbaum Associates. Publishers (LEA), Mahwah New Jersey and London.
- Burton, JM., Horowitz, R., Abeles, H. (2000). Learning in and through the arts. The question of transfer. *Studies in Art Education*, 41(3). 228-257.
- Charlerory, A., Gentry, C., Greco, A., Rubino, N. & Schatz, M. (2011). *Arts Education standards & 21st Century Skills: An Analysis of the National Standards For Students Compare*, in several cultures of the world, Functions Music. College Board office of Academic Initiative 45 Columbus Avenue, NY.
- Colwell, M., Cynthia & Edwards, R., Hernandez, E., Brees, K. (2013). Impact of music therapy interventions (listening, composition, Orff-based) on the physiological and psychosocial behaviors of hospitalized children: a feasibility study. *Journal of Pediatric Nursing*. May-Jun 2013; 28(3):249-57.
- Creswell, J.W. (2007). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches*. 2nd edition, California, Sage Publication, Inc.
- Efland Arthur, D. (2004). *Emerging of Art Education*; Edited By Elliot W. Eisner and Michael D. Day; Handbook of Research and Policy in Art Education, National Art Education Association (NAEA) and Lawrence Erlbaum Associates, Publishers (LEA), Mahwah New Jersey and London.
- Eisner, Elliot. (2002). *The Lessons the Arts Teach, Available at Learning and Arts: Crossing Boundaries/Proceedings From an Invitational Meeting for Education*, Arts and Youth Funders Held January, Los Angeles.
- Eisner, Elliot. W. (2005). *Reimagining schools. the selected works of Elliot w. Eisner*. Published in the USA and Canada by Rutledge.
- Eurydice. (2010). *Organization of the education system in Germany, Arts & Cultural Education at school in Europe*, Education, Audiovisual and culture Executive Agency.

- Gazzaniga, M., (2008). *Learning, Arts, & the Brain*. New York/Washington: D.C. Dana press.
- Greene, M.(2007). Art and Imagination: Overcoming a desperate Stasis. *Contemporary Issues in Curriculum*, 32, 38.
- Halam,S.(2010). The Power of Music: Its Impact on the Intellectual, Social and personal development of children and young people. *International journal of Music education: research* ,28, 269-289.
- Kay,S.(1995). The power of the preposition : An Interview with Maxim Greene . *Roeper Review* , 18(1),61-65.
- Killeen, Donald J. (2004). *Transforming Education Through, The Arts Challenge (TETAC), Final Project Report*, The National Arts Education Consortium Department of Art Education, The Ohio State University.
- McMillan, J.H., Schumacher, S. (2001), *Research in education: a conceptual introduction*, 5th edition. New York : Addison Wesley Longman, Inc.
- Portowitz, A., Lichtenstein,O.,Egorov,L., Brand,E.(2009).Underlying Mechanisms Linking Music Education & Cognitive Flexibility . *Research Studies in Music Education* ,31(2),107-128.
- Portowitz, A., Peppler, K.A., Downton, M. (2014). In Harmony: A technology based music education model to enhance musical understanding and general learning skills. Musical understanding general learning skills. *International Journal of Music Education*. 32(2), 242-260.
- Robinson, K. (2000). Arts Education's Place in a Knowledge-Based Global Economy. Available at Learning and Arts: Crossing Boundaries/Proceedings From an Invitational Meeting for Education, Arts and Youth Funders Held January, Los Angeles.
- Sharp, C., Metais Le.J., (2000). The Arts, Creativity and Cultural Education. An International Perspective. Qualification and Curriculum Authority in England.
- Smite, A. Ralph. (2008). Educational aesthetics and Policy. *The Journal of policy arts education review*. Vol: 109, No:6, July/August 2008.
- Taggart, G., Whitby, Karen., Sh. Caroline. (2004). *International Review of Curriculum and Assessment Frameworks*. National Foundation for Educational Research (NFER).

- Van Lith, T., Fenner, P., Schofield, M. (2011). The lived experience of art making as a companion to the mental health recovery process. *Disability & Rehabilitation*, 33(8),652-660.
- Wang, Alan. (2013). *Cognitive effects of music: Working memory is enhanced in healthy older adults after listening to music*, A thesis submitted to the university of Arizona college of medicine-Phoenix.
- Wang, J.L., Wang, H., Zhang, D. (2011). *Impact of group music therapy on the depression mood of college students*. Vol. 3, No.3, 151-155.
- Watter, O.E, Koerner, F., Schwaninger, A. (2008). *Does Musical training improve school performance?* Springer, 37: 365-374.

